

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

فاطمه عليها سلام الگوى حیات زیبا

نویسنده: محمد جواد مروجی طبسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در نظام هستی و عالم خلقت آنقدر مسایل اسرارآمیز وجود دارد که یقیناً بشر، با همه اطلاعاتی که از جهان دارد، هرگز به ژرفای آن پی نخواهد برد. از جمله آن مسایل وجود چهارده معصوم است که خداوند آنها را به عنوان هدیه و نعمت بر انسان ارزانی داشته است و در بین این چهارده معصوم یک زن به نام فاطمه علیها السلام داده است.

راستی این چه سری است که در بین چهارده معصوم یک زن وجود دارد که یازده امام از نسل اویند!

و راستی فاطمه کیست؟!

فاطمه علیها السلام معرفت الله است...

صفات و اسماء الهی، در فاطمه این جلوه ذات اقدس حق نمود و ظهور تام یافته است؛

فاطمه علیها السلام زیباست...

فاطمه انسان کامل است و الگویی است برای تکامل...

فاطمه علیها السلام هدایت گری است در مسیر کمال بلکه به مقصد رساننده است؛

چرا که دارای فضایی است که انبیا آنها را داشته اند... دارای فضایل رسول الله است و به

فرموده برخی از بزرگان: فاطمه علیها السلام بود، پیامبر بود...

راستی فاطمه علیها السلام کسی باید مقایسه کرد؟

با انبیا، که برتر از انبیاست...

فاطمه علیها السلام بیست تنها با خاتم انبیا و تنها باید با دیگر معصومین قیاس کرد و بس.

فاطمه علیها السلام که در هنگام نماز در پیشگاه معبود، خدا به وجودش افتخار می کند و چه گوهر ناشناخته ایست که رضا و خشم خود را در رضا و خشم وی می داند! فاطمه علیها السلام قدر است و شناخت فاطمه علیها السلام لیلۃ القدر است. در این بانوی بزرگ چه اسراری نهفته است که چنین جایگاهی در نزد خداوند دارد؟ آری... بدون شک از شناخت مقام عصمت و ولایت فاطمه علیها السلام! تنها به اندازه توان خود به گردآوری احادیثی چند پیرامون زندگانی و شخصیت او پرداخته ایم ، که به نام نامی یازده فرزندش در یازده بخش تنظیم گردیده و بدین وسیله تقدیم خوانندگان گرامی می شود.

به امید آن که فردای قیامت مشمول شفاعت حضرتش شویم...

قم

حوزه علمیه

محمد جواد مروجی طبسی ۱۳۸۰/۶/۲۳

میلاذ نور

مدت ها بود که زنان عرب از خدیجه همسر گرامی رسول خدا ﷺ از دواج با آن حضرت، فاصله گرفته بودند.

هاله ای از غم و اندوه او را گرفته بود و در خانه هیچ مونسى نداشت تا در نبود پیامبر ﷺ مطلق شکسته شده و جنین با مادر خود سخن گفته و دلداریش می دهد.

این بماند که در این مدت با مادر خود چه می گفت و چه می شنید زیرا تاریخ به درستی از این گفتگوهای اسرارآمیز پرده برداشته چرا که مادر مؤمنان آن را در هاله ای از ابهام گذارد. راستی این جنین کیست و حقیقت او چیست که ماهها با مادر سخن می گوید و او آنها را از پیامبر ﷺ می شنود؟

نوشته اند روزی پیامبر ﷺ از آن جنین پرسید: ای خدیجه! با که سخن می گویی؟! گفت: با این جنین که در شکم دارم، اوست که با من سخن می گوید و مایه انس من شده است.

پیامبر فرمود: ای خدیجه بدان این جبرئیل است که به من می گوید: این جنین دختر است و خداوند نسل مرا از او قرار داده و از نسلش امامانی به عنوان جانشین من معین خواهد کرد. (۱)

آری؛ جهان در انتظار مقدم عالی ترین نمونه زن بود که تاکنون به خود ندیده بود، که با میلادش برای زنان عالم هستی، الگو و اسوه قرار گیرد.

و اینک... نزدیک زایمان خدیجه شده، از زنان عرب درخواست کمک کرد، اما آنها از روی کینه و دشمنی که با وی داشتند پاسخ منفی دادند و از هر گونه کمک امتناع ورزیدند.

او در این فکر بود که چه کند و چه کسی در این مشکل به کمکش می‌شتابد... ناگهان حضور چهار زن بلند بالای سیاه چهره را که گویا از زنان بنی هاشم بوده باشند، در خانه احساس نمود.

خدیجه از دیدن آنها لرزه بر اندامش افتاد چرا که تا کنون آنها را ندیده بود... یکی از آنها گفت: ای خدیجه! غم مخور؛ چرا که ما فرستادگان پروردگار تو می‌باشیم ما خواهران تو هستیم. من ساره و این آسیه دختر مزاحم و آن مریم و آن یکی کلثم خواهر موسی بن عمران است. خدای ما را فرستاد تا در امر زایمان تو را یاری نماییم.

این چهار زن در طرف راست و چپ و پیش رو و پشت سر خدیجه قرار گرفتند، لحظاتی چند این مولود با سعادت قدم به عرصه گیتی نهاد... آن مولود فاطمه بود... او بدنیا آمد تا زمین را نورانی کند، پس از آن که آسمانها را از نور خود منور ساخته بود. از این روی به هنگام ولادت فاطمه نوری از وجودش پدیدار شد که تمام خانه های مکه را در هاله ای از نور فرو برد و در شرق و غرب عالم هستی جایی نبود که نور فاطمه در آن جا نتابیده باشد.

فاطمه **عليها السلام** شستشو داده و در دو پارچه سفید پیچیده و از او خواستند تا سخن گوید.

فاطمه به اراده پروردگار، لب به سخن گشوده و رسالت و پیامبری محمد مصطفی **صلی و سلمه علیهما السلام** یزده فرزندش را گواهی داد. (۲)

مورخان سال روز میلاد با سعادت فاطمه را بیستم ماه جمادی امثالی سال پنجم بعثت نگاشته اند.

مرحوم مفید درباره این روز مبارک می نویسد: روز بیستم ماه جمادی الاخر روزی
است که فاطمه زهرا علیهاالسلام رسول خدا صلی و سلم و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد همه
ساله شادی و سرور مؤمنین تجدید می شود، از این روی مستحب است که در روز میلاد
فاطمه علیهاالسلام نیک انجام پذیرد و صدقه به فقراء و مساکین داده شود. (۳)

شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر

صلی و آله و سلم نقل شد که پیامبر خدا شاعر و منزلت فاطمه زهرا علیها السلام بس که پیامبر خدا زیباترین سخنان را بیان فرموده که درباره هیچ یک از زنان عالم چنین چیزی نفرموده حتی درباره همسر و سایر دختران خود. اینک از میان دهها روایتی که درباره این شخصیت بی نظیر نقل گردیده به چند روایت بسنده کرده سپس به نکاتی در این جهت اشاره ای خواهیم داشت:

۱- فاطمه علیها السلام پیامبر

بخاری در صحیح خود از ولید از ابن عبینه از عمر بن دینار از ابی ملیکه از مسور بن مخرمه از پیامبر صلی و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «فاطمه بطیعة منی فمن أغضبها أغضبی؛ فاطمه علیها السلام من است هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.» (۴)

۲- فاطمه علیها السلام پیامبر

حسن بن سلیمان در کتاب محتضر از تفسیر ثعلبی از مجاهد از پیامبر صلی و آله و سلم نقل کرده که روزی آن حضرت از خانه بیرون آمد و در حالی که دست فاطمه علیها السلام را در دست داشت بود، چنین فرمود: هر که این را می شناسد که شناخته است و هر که وی را نمی شناسد بداند: این فاطمه علیها السلام است و او پاره تن من می باشد، او قلب من است که در بین دو پهلوی من قرار گرفته است؛ پس هر که او را آزار دهد مرا آزار داده و هر که مرا آزار دهد خدای را آزار داده است. (۵)

۳- فاطمه علیها السلام پیامبر

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی و آله و سلم فرمود: «فاطمه علیها السلام منی؛ فمن أذى شعرة منی، فقد آذانی فقد أذى الله و من أذى الله لعنه الله ملاء السموات و الارض.» (۶)

فاطمه علیها السلام من است و هر که به تاری از موهای من آزار برساند مرا آزار رسانده و هر که مرا آزار رساند خدا را آزار رسانده است و هر که خدا را آزار برساند، خداوند به اندازه آسمان ها و زمین او را لعنت خواهد کرد.

۴- فاطمه نور چشم پیامبر

ابن قتال نیشابوری ضمن حدیثی از پیامبر صلی و آلوه و سلمه که در آن آمده است: «فاطمه علیها السلام یا علی، آن فاطمه علیها السلام منی و هی نور عینی و ثمرة فؤادی.» علی جان؛ فاطمه علیها السلام منی و نور چشم و میوه دلم می باشد. (۷)

۵- فاطمه علیها السلام نور پیامبر

امام حسین علیها السلام صلی و رسولیت کرد که فرمود: «فاطمه علیها السلام بی و ابناها ثمرة فؤادی و بعلها نور بصری؛ فاطمه علیها السلام نور و خوشحالی من می باشد، همچنین دو فرزندش میوه دلم و همسرش نور چشمم می باشد. (۸)»

۶- فاطمه برتر از آسمانها و زمین

و در حدیثی دیگر درباره خلقت فاطمه علیها السلام پس خداوند از نور دخترم فاطمه علیها السلام ها و زمین را آفرید، پس آسمان ها و زمین از نور دخترم فاطمه علیها السلام و نور دخترم فاطمه علیها السلام پدید آورده است و دخترم فاطمه علیها السلام آسمانها و زمین است. (۹)

۷- فاطمه برگزیده خداوند

خطیب بغدادی ضمن اشاره به معراج پیامبر صلی و آلوه و سلمه چنین روایت کرده که فرمود: همان شبی که مرا به آسمان بردند دیدم که بر درب بهشت چنین نوشته بود : «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی حبيب الله، والحسن والحسين صفوة الله، فاطمه علیها السلام خيرة الله و علی باغضهم لعنه الله» (۱۰)

۸- فاطمه یکی از حجت های خدا

طبری در بشارة المصطفی به سند خود از امام زین از پدرش از امیر مؤمنان از رسول خدا صلی و تسلیمک فرمود: **إنا و علی و فاطمه علیهما السلام و الحسین و تسعة من ولد الحسین حجج الله علی أعدنا أعد الله و اعولیاننا أولیاء الله؛ من و علی و فاطمه علیهما السلام و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین حجت های خداوند بر بندگان او هستیم، دشمنان ما دشمنان خدا و دوستان ما دوستان خدا هستند.** (۱۱)»

۹- فاطمه بهترین زنان امت

انس بن مالک از رسول خدا صلی و تسلیمک فرمود: **أفضل النساء ثلاث: فاطمة بنت محمد و سیدة النساء و خدیجة بنت خویلد.** (۱۲)»

۱۰- برترین زنان اولین و آخرین

و در روایت دیگری که از پیامبر صلی و تسلیمک چنین آمده: **أفضل النساء ثلاث: فاطمة بنت محمد و سیدة النساء و خدیجة بنت خویلد.** (۱۳)»

۱۱- اگر تمام خوبی ها مجسم شود...

هم چنین درباره شخصیت بی مانند فاطمه علیها السلام **ولو کان الحسن شخصا لکان فاطمه علیها السلام أعظم؛** اگر تمام خوبی ها و فضایل اخلاقی مجسم شود، شایسته است که فاطمه علیها السلام که فاطمه علیها السلام همه آنها می باشد. (۱۴)»

۱۲- فاطمه مریم کبری است

و از جمله بیانات و سفارش هایی که رسول خدا صلی و تسلیمک خطاب به علی **صلى و تسلیمک** داشت این بود؛ **علی جان؛ فاطمه علیها السلام خدا و رسولش در نزد تو می باشد، پس از این امانت خوب نگهداری کن و می دانم که چنین خواهی کرد، بدان که او مریم کبری است.** (۱۵)

۱۳ - عزیزترین مردم نزد پیامبر

شیخ طوسی به سند خود از عبدالله بن حارث بن نوفل نقل کرده که گفت از سعد بن مالک شنیدم که می گفت: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: «فاطمه علیها السلام من سرها فقد سرتی و من سألها فقد سألنی، فاطمه علیها السلام ربة علی؛ فاطمه علیها السلام من است هر که او را خشنود کند مرا خشنود کرده و هر که او را آزار دهد مرا آزار داده فاطمه علیها السلام من مردم نزد من می باشد. (۱۶)»

۱۴ - محبوب ترین مردم

علامه مجلسی از برخی کتابهای مناقب به سند خود از اسامه نقل کرده که گفت : روزی در مسجد به علی و عباس گذر کردم در حالی که به بحث نشسته بودند، چون مرا دیدند از من خواستند که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگویم. گوید: به رسول خدا عرض کردم: این علی و عباس هستند که اجازه ملاقات می خواهند.

حضرت فرمود: آیا می دانی چه چیزی آنها را به این جا آورده است؟
گفتم: به خدا سوگند که نمی دانم.

فرمود: اما من می دانم برای چه به این جا آمده اند و سپس اجازه ورود به آنها داد. پس آن دو وارد شده و پس از سلام و ادای احترام در محضرش نشسته و اظهار داشتند ای رسول خدا کدام یک از افراد خانواده ات در نزد تو محبوب تر هستند؟ پیامبر پاسخ داد: فاطمه. (۱۷)

اما نکاتی که از روایات گذشته به دست می آید به چند نکته خلاصه می شود:

۱. پیامبر بزرگوار اسلام صلی و هلالیتی لیرة علی بن ابی طالب فاطمه علیها السلام

معرفی او و جایگاه والایش داشتند بدین جهت با بردن فاطمه علیها السلام صحابه و

گرفتن دست او به معرفی دختر خود پرداخته، و او را پاره تن و قلب و تار موی و نور چشم و میوه دل خود دانسته که این مسئله بسیار مهم و قابل مطالعه است.

۲. از روایات گذشته و ده ها روایت دیگر به دست می آید که فاطمه علیهاالسلام

زنان تمام زنان عالم خلقت می باشد و هیچ یک از آنها در فضیلت و بلندی مرتبه به او

نمی رسند، حتی مریم مادر حضرت عیسی، و این سخن از پیامبر صلی و سلمه علیهماالسلام و علیهماالسلام

فاطمه بهترین پاسخ برای یاوه گویی برخی از ناآگاهان و یا غرض ورزان به مقام والای

فاطمه علیهاالسلام گاهی از روی ناآگاهی و یا غرض ورزی می گویند، فاطمه علیهاالسلام

همانند یکی از زنان عادی است.

بسی جای تعجب است مگر زنان عادی در زمان پیامبر نبودند؟ پس چرا این سخنان

ارزشمند را درباره یکی از آنها نفرمود و چرا آن همه بر شخصیت فاطمه علیهاالسلام؟

۳. هیچ گاه از سفارش نسبت به فاطمه علیهاالسلام بوزیده و پیوسته امت اسلامی را

به احترام از وی و رعایت حق او فرا می خواند.

۴. نکته پنجم این است که هر جا سخن از فاطمه علیهاالسلام می آورد مسلمانان را

به دوستی او و اهل بیت محترمش فرا خوانده و از دشمنی با آنها سخت بر حذر می داشت.

فاطمه و ازدواج با علی

آن روزی که فاطمه علیها السلام علی و سایر فاطمیات مکه را به قصد مدینه ترک

گفته و وارد مدینه شد، درخواست های مکرری از پیامبر صلی و سلم خواستگار نعمت الله علیه فراوانی برای وی آمدند، اما آن حضرت همه آن ها را رد کرد.

این شهر آشوب می نویسد: ابوبکر و عمر هر یک چند مرتبه از پیامبر صلی و سلم

خواست ازدواج با فاطمه علیها السلام پیامبر صلی و سلم و علی رضی الله عنهما پیامبر صلی و سلم و سایر خواستگاران رضی الله عنهم می کرد. (۱۸)

روزی آن دو به نزد عبدالرحمن بن عوف که مردی ثروتمند بود، رفته و اظهار داشتند

اموال و ثروت تو از همه قریشیان بیشتر است و اگر چنان چه به خواستگاری دختر رسول خدا صلی و سلم بروی و ثروت و اموال او را بگیری، افزوده خواهد شد! او نیز به نزد پیامبر خدا صلی و سلم چنین درخواستی نمود، اما باز هم مورد اعتراض قرار گرفت. (۱۹)

نوشته اند: او ضمن خواستگاری از فاطمه علیها السلام را مطرح کرد، اما پیامبر

صلی و سلم عظمی رضی الله عنهما و به رضی الله عنهما اعتراض بر این سخن، سنگ ریزه ای را برداشته ناگهان همان سنگ در دستش شروع به گفتن تسبیح کرد، سپس آن سنگ را در دامان خود انداخت که در دم تبدیل به در و مرجان شد. (۲۰)

تلاش یاران و خواستگاری علی علیه السلام

برخی از یاران پیامبر صلی و انسلم علی بن ابی طالب حضرتان اول مولانا فاطمه علیها السلام را در دست پروردگار می باشد، چنین دریافتند که شاید نظر پیامبر صلی و سلم علی بن ابی طالب و دستش خالی بود او را کمک کنیم؟ با اظهار موافقت سعد و استقبال از این پیشنهاد هر سه به سراغ علی رفته و او را در باغ یکی از انصار در حال کشیدن آب از چاه یافتند. چون نگاه علی علیه السلام افتاد از روی تعجب پرسید: خبر تازه ای هست؟ برای چه به این جا آمده اید؟

ابوبکر گفت: ای ابوالحسن هیچ خصلت خوبی نیست مگر آن که در تو بوده باشد و جایگاه خودت را نزد پیامبر صلی و سلم از ما می آید آمدن به سوی تو

این است که می بینیم اشراف و بزرگان قریش برای خواستگاری دخت پیامبر صلی و سلم خدمت آن حضرت رفته اند، اما پاسخ رد شنیده اند و می گوید اختیار فاطمه علیها السلام دست خدایش می باشد. علی جان چرا به نزد او نمی روی و فاطمه علیها السلام را نگاری نمی کنی امید این است که خداوند فاطمه علیها السلام را تو نگه داشته باشد.

گوید: چشمان علی پر از اشک شد و فرمود: ای ابوبکر مرا به یاد چیزی انداختی که تا کنون در فکر آن نبودم؛ بخدا قسم، من فاطمه علیها السلام را نخواهم و من کسی نیستم که از مثل فاطمه دخت پیامبر صرف نظر کنم و هیچ چیز جز تنگدستی تا کنون مانع این کار نشده و آن گاه دست از کشیدن آب برداشته، به طرف خانه پیامبر صلی و سلم گریه می کرد.

خواستگاری علی علیه السلام

علی به طرف حجره ام سلمه که پیامبر صلی و سلمن او را در آنجا بود و او را در آنجا دید. پیامبر صلی و سلمت او را فرمود: علی علیه السلام است، در آنجا باز کن تا وارد شود. امام علیه السلام خدا صلی و سلمت او را پس از آنکه به مضر پیامبر صلی و سلمت او را در حالیکه سر خود را به پایین انداخته بود، لحظاتی نشست و همانند کسی که برای کاری آمده ولی شرم از اظهار آن را دارد، به زمین خیره شده چیزی نمی گوید. ام سلمه گوید: پیامبر صلی و سلمت او را در آنجا دیدم و او را دیدم که می گذرد. از این رو فرمود: ای ابوالحسن گویا می بینم برای کاری آمده ای! هر چه می خواهی بگو که برایت انجام خواهم داد.

علی علیه السلام پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا، تو خود بهتر می دانی که خودت مرا از عمویت ابو طالب و از خانه فاطمه بنت اسد گرفتی در حالی که من کودکي بیش نبودم، مرا به غذای روحیت تغذیه کردی و به آدابیت تادیب نمودی و در نزد من از نظر شفقت و مهربانی از پدر و مادرم برتر بودی، خداوند مرا بر دست تو هدایت فرمود... اینک دوست دارم حال که خداوند بازوی مرا به وسیله تو محکم گردانیده، خانه و زندگی و همسری داشته باشم که در کنارش آرامش داشته باشم.

و من بدین جهت این جا آمده ام تا فاطمه علیها السلام خواستگاری کنم. آیا او را به من تزویج می کنی؟ ام سلمه گوید: دیدم که چهره پیامبر صلی و سلمت او را در آنجا دیدم و او را دیدم که می گذرد. تبسمی در چهره علی کرد... (۲۱)

شیخ طوسی در امالی از علی علیه السلام کرده وقتی که خدمت رسول خدا صلی و سلمت او را سابقه و قرابت و خویشی خود را گفتم حضرت فرمود، یا علی؛ راست گفتی، تو برتر از آن هستی که ذکر شود.

گوید: عرض کردم ای رسول خدا آیا فاطمه علیها السلام تزویج می کنی ؟ پیامبر پاسخ داد: پیش از تو دیگران آمدند و من به او پیشنهاد دادم اما در هر مرتبه نشان از رضایت در چهره او ندیدم لیک اندکی تو صبر کن تا به نزد او رفته و بازگردم.

سپس از جای برخاسته و بر فاطمه علیها السلام حضرت زهرا علیها السلام پدر از جای برخاسته و عبا از دوش پیامبر گرفته و نعلین از پایش در آورد . آنگاه مقداری آب وضو آورده و دست و پای پیامبر را شستشو داده و در محضرش نشست.

پیامبر صلی و فرمود فاطمه علیها السلام عرض کرد: لیبیک ای رسول خدا؟ پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب را که خوب می شناسی، از نظر سوابق و خویشی و تقدم در اسلام و... من از خداوند خواسته ام که پروردگارم تو را به بهترین بندگان خود تزویج کند... حال علی آمده و تو را از من خواستگاری کرده است . نظر تو چیست ؟ فاطمه علیها السلام کرده و در چهره اش آثار رضایت پیدا شد.

اینجا بود که پیامبر خدا صلی و انبیا علی و ابی طالب و اهل بیت که می فرمود :الله اکبر ! سکوت فاطمه علیها السلام طاییت اوست، از نزد او بیرون رفت. (۲۲)

چرا پیامبر صلی و سلم بر علی داد

در این که چرا رسول خدا صلی و سلم بر علی داد
عللی برای آن گفته شده است:

۱. در ابتدای ورود فاطمه علیها السلام هنوز او به حد تکلیف شرعی نرسیده بود، زیرا با در نظر گرفتن این که وی در سال پنجم (۲۳) بعثت به دنیا آمده است و پیامبر صلی و سلم سال که از بیست و یک سالگی در مدینه هجرت فرمود فاطمه علیها السلام ۸ سال داشت؛ بدین جهت پیامبر خواستگاران را رد می کرده چون فاطمه علیها السلام بلوغ نرسیده بود. (۲۴)

۲. و در برخی روایات آمده است که پیامبر صلی و سلم به خواستگاران علی داشت: من همانند شما بشر هستم و از شما زن گرفته و زن می دهم، مگر فاطمه علیها السلام که اختیارش در دست پروردگار است. (۲۵)

۳. چون خواستگاران هم شأن فاطمه علیها السلام چنان چه علامه مجلسی از عیون

اخبار الرضا از امام رضا علیها السلام نقلش از علی علیها السلام که پیامبر صلی و سلم فرمود: یا علی علیها السلام از قریش درباره فاطمه علیها السلام گله کردند که ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی بر ما دریغ نموده اما او را به علی علیها السلام کردی.

من به آنها گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که از شما جلوگیری کرده و به علی

تزیج کرده لبشم بلکه این خداوند بود که دستور به چنین کاری داده است.

این جا بود که جبرئیل بر من نازل گشته و گفت: ای محمد خدای جل و علا می گوید

اگر علی را خلقت نکرده بودم هرگز برای دخترت فاطمه علیها السلام روی زمین پیدا

نمی شد، از آدم گرفته تا سایر مردم. (۲۶)

و در گفتگویی که آن حضرت با ام ایمن داشت باز پیامبر روی هم شأن بودن علی
علیهاالکلیلاکرم و فرمود: «أما والله. یا ام ایمن لقد زوجتها کفوا شریفا وجیها فی الدنیا و
الآخرة و من المقربین.» ای ام ایمن آگاه باش که من دخترم فاطمه علیهاالسلام و هم
شأن شرافتمندی شوهر دادم که در دنیا و آخرت صاحب جاه و مقام و منزلتی بوده و از
مقربین است. (۲۷)

توضیح و بررسی

ظاهرا در این تردیدی نباشد که مهر فاطمه علیهاالسلام درهم فراتر نرفته است، حال یا این پانصد درهم نقره، پول زره بوده است و یا حاصل مجموع پول زره و چند چیز دیگری که همراه زره به عنوان مهر فاطمه علیهاالسلام است.

از این روی اگر چه ظاهرا اختلاف در پول نقد شده است، اما این قابل توجیه می باشد. زیرا اگر فقط قیمت زره را در نظر بگیریم ممکن است اشکال شود که قیمت زره چهارصد درهم و یا زیر پانصد درهم بوده است.

اما با در نظر گرفتن چند چیز دیگر که برد کهنه و زیر انداز بوده باشد، برابر با پانصد درهم خواهد بود.

علامه مجلسی ضمن یادآوری روایت چهارصد و هشتاد درهم، و چهارصد مثقال نقره، و پانصد درهم صحیح تر است و سبب این اختلاف روایت جابر جعفی از امام باقر است که فرمود: «کان صدق فاطمه علیهاالسلام و اهاب کبش علی عرار. و روی عن الصادق

علیهاالسلام صدق فاطمه علیهاالسلام و اهاب کبش او جدی؛ مهریه فاطمه علیهاالسلام پیراهنی بود از کتان بافت یمن و پوستی دباغی نشده و گیاهی خوشبو. هم چنین از امام صادق علیهاالسلام آمده که صدق فاطمه علیهاالسلام و پوست دباغی نشده گوسفند یا شتر بود.» (۳۷) و دلیل آن که مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام درهم فراتر نرفته

است همانا سیره و روش معصومین بویژه پیامبر بزرگوار اسلام صلی و آله و سلم بر اساس پانصد درهم که به مهر السنه معروف گشت عمل می کردند.

امام جواد علیهاالسلام خطبه و خواستگاری از ام الفضل دختر مأمون مهر جده اش فاطمه علیهاالسلام پانصد درهم بود، معین کرد. (۳۸)

مرحوم صدوق می نویسد: اگر خواستی ازدواج کنی پس بنگر مهري که قرار می دهی

از پانصد درهم بیشتر نشود که همان مهر السنة باشد و بر همین مقدار پیامبر **صلی و سلم**

همسران خویش ازدواج کرد و بر همین اساس و پایه دختران خود را به شوهر داد، بدین

جهت مهر السنة مبلغ پانصد درهم گشت... (۳۹) ممکن است گفته شود با توجه به روایت

امام صادق **علیه السلام** بود: ارزش زره ۳۰ درهم بوده چگونه با ۴۰۰ درهم سازش

دارد؟

پاسخ می دهیم؛ اولاً در همه روایات به چنین چیزی اشاره نشده که ارزش زره ۳۰

درهم بوده است و با این ممکن است زره به همان مقداری که عثمان خریداری کرد،

ارزش داشته باشد.

و ثانیاً ممکن است آن زره قیمتش بیش از ۳۰ درهم نبوده اما عثمان آن را به جهاتی

به چند برابر خریده است.

در اینجا علامه مجلسی ضمن بیانی در جمع بین این روایات فرموده: ممکن است بین

این روایات به چند وجه جمع کنیم: اول آن که بگوییم زره جزء مهر بوده، نه تمام مهر.

دوم آن که شاید مراد حضرت این باشد که آن زره امروز بود، ۳۰ درهم بیشتر ارزش

نداشت، گر چه در آن زمان بهایش بیش از این بوده است.

سوم آن که بگوییم قیمت زره همان ۳۰ درهم بوده است اما حضرت علی آن را به

پانصد درهم فروخت.

و چهارم این که برخی از اخبار و احادیث حمل بر تقیه شده است. (۴۰)

تأمین و تهیه جهیزیه

پس از فروش زره توسط علی عليها السلام شدن مهریه فاطمه عليها السلام صلی و سلمین عليها السلام نقل دستور عليها السلام و عليها السلام خانه علی و فاطمه عليها السلام ری کنند.

امام صادق عليها السلام می‌داند: حضرت مقدار ۳۳۶ یا ۶۶ درهم را جهت تأمین لوازم منزل فاطمه عليها السلام سپرد تا خریداری کند و مقدار دیگری را به اسماء بنت عمیس داد تا عطر خریداری کند و مقدار دیگری را به زهرا عليها السلام سپرد تا برای طعام ولیمه عروسی فاطمه عليها السلام شود. (۴۱)

هم چنین شیخ طوسی از پیامبر صلی و سلمین عليها السلام نقل کرده که حضرت بلال رضی الله عنه فراخوانده دست برد و مبلغی از همان پول را گرفته، به او سپرد و فرمود: برای فاطمه عليها السلام خریداری کن و مقدار دیگری را به ابوبکر داد و فرمود: برای فاطمه عليها السلام که مناسب حال او می‌بینی از لباس و اثاث خانه خریداری کن، سپس عمار و برخی دیگر از یاران خود را به دنبالش فرستاده تا به کمک او بشتابند.

پس آن‌ها هر چه می‌خواستند خریداری کنند نخست بر او عرضه کرده اگر مصلحت می‌دانست همان را خریداری می‌کردند. (۴۲)

صورت جهیزیه فاطمه علیهاالسلام

و آن چه که این چند نفر به عنوان جهیزیه برای فاطمه خریداری کردند، عبارت بود از:

۱. یک قواره پیراهن به قیمت هفت درهم.
۲. یک عدد روسری بزرگ به قیمت چهار درهم.
۳. یک حوله سیاه خیبری.
۴. یک تخت خواب که با برگ درخت خرما بافته شده بود.
۵. دو عدد تشک کتانی از کتان های مصری که درون یکی از آن ها لیف خرما و در درون دیگری پشم گوسفند پر شده بود.
۶. چهار عدد بالش از پوست میش مکه که از گیاه خوشبویی به نام اذخر پر شده بود.
۷. یک تخت پرده پشمی.
۸. یک قطعه حصیر.
۹. یک عدد دستاس.
۱۰. یک عدد طشت مسی برای شستن لباس.
۱۱. یک عدد مشک چرمی برای کشیدن آب از چاه.
۱۲. یک بادیه بزرگ برای دوشیدن شیر.
۱۳. یک ظرف چرمی برای آب.
۱۴. یک آفتابه گلی لعابی شده.
۱۵. یک سبوی گلی سبز.
۱۶. دو عدد کوزه سفالین.
۱۷. یک قطعه پوست چرمی
۱۸. یک چادر از پارچه های بافت قطر. (۴۳)

مراسم ازدواج

فاطمه علیها السلام از ماجرای عقد علی و فاطمه علیهما السلام تا اینکه جعفر و عقیل (۴۴) و بنابر نقل شیخ طوسی، همسران پیامبر به علی گفتند که در صورت تمایل از آن حضرت بخواهند تا مراسم عروسی را به راه اندازند.

و با اعلام موافقت از سوی علی و رفت و آمد ام ایمن به خانه پیامبر صلی و سلمت و ام ایمن در محضر رسول خدا چنین گفت: ای رسول خدا اگر خدیجه زنده بود امروز در مراسم جشن و عروسی فاطمه علیها السلام روشن می گشت ، این علی است که همسرش را می خواهد.

پس چشم فاطمه علیها السلام بپایه همسرش روشن بنما و هر دو را جمع نموده و چشم ما را هم به این کار روشن گردان.

پیامبر در پاسخ فرمود: چرا خود علی چنین درخواستی از من نکرده، چرا که توقع ما از او چنین بود... (۴۵) ام ایمن گوید: پیامبر صلی و سلمت فرمود: ای فاطمه! به دنبال علی رفته و او را به نزد من بیاور.

به دنبال فرمان پیامبر صلی و سلمت علی رفت که او را انتظار من است، تا مرا دید پرسید: ای ام ایمن چه کردی؟ عرض کردم: پیامبر صلی و سلمت نظر او را تامل کردم و دیدم که او را در آنجا می بینم. من همان وقت برخاسته بر پیامبر صلی و سلمت سلام کردم و عرض کردم: ای رسول خدا سر به زیر انداخته بودم، در محضرش نشستم.

پیامبر صلی و سلمت ای ای فاطمه! و ای علی! هر دو را به نزد تو بیاورد؟ من در حالی که سرم پایین بود گفتم: آری پدر و مادرم به فدایت.

پیامبر صلی و سلمت ای ای فاطمه! هر دو را انجام خواهم داد. (۴۶)

پس به امیر مؤمنان فرمود: یا علی منزلی را آماده کن تا فاطمه علیها السلام جا منتقل کنی.

علی فرمود: یا رسول الله صلی و سلم مع منی یاقا علی شلوا ما کرا منزل حارثة بن نعمان.

پیامبر صلی و سلم به خاندان خود فرمود: ای کورز حارثة خجالت می کشیم زیرا بیشتر خانه هایش را از او گرفته ایم. این سخن که به گوش حارثة رسید خدمت پیامبر صلی و سلمی عرطه لانت: یا رسول الله صلی و سلم مع منی ما الخیار و عدا و اولش هستیم... پس فاطمه علیها السلام قلب عروسی در خانه حارثة بن نعمان اسکان داد.

آراستن فاطمه علیها السلام

این جا بود که رسول خدا صلی ونگلهی به زنان کرد و گفت: چه کسی در این جا حضور دارد؟ ام سلمه گفت: یا رسول الله صلی و مسلم استم و این زینت بوی فلان و فلان در این جا نشسته اند.

پیامبر صلی و فرمود: برای احترام و پسر عمویم حجره ای در یکی از خانه ها مهیا کنید.

ام سلمه گفت: در کدام حجره ای رسول خدا صلی و سلم استم؟
پیامبر صلی و فرمود: حجره خود را دستور فرمود: تا فاطمه علیها السلام مراسم عروسی زینت نموده و آرایش دهند. (۴۷)

پس زنان در خانه ام سلمه به چنین کاری مشغول شده و فاطمه علیها السلام شب عروسی آماده کردند. (۴۸)

ولیمه عروسی علی و فاطمه علیهما السلام

سپس به علی فرمود: علی جان، بای مراسم عروسی غذای خوبی آماده کن و آن گاه فرمود: گوشت و نان از ما باشد و خرما و روغن از تو. (۴۹)

یاران پیامبر صلی و سلمین بیایدند و هر یک به خود در مراسم جشن علی و فاطمه علیهما السلام کرده و هدیه ای برای علی آوردند.

پیامبر صلی و سلمین با تمام اهل بیت و اهل خانه و نان بپزند، و به علی فرمود تا گاو و گوسفند را سر ببرد و خود به کندن پوست آن ها اقدام فرمود.

هنگامی که غذا آماده گردید، پیامبر صلی و سلمین از عصبی از بالای بام خانه فریاد بر آورد که دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را اجابت کنید.

مسلمانان به دعوت آن حضرت به مسجد آمده و در کنار رسول خدا صلی و سلمین و به برکت وجود مقدس پیامبر صلی و سلمین و اهل بیت و اهل خانه و از مرد و زن مدینه و در چند نوبت از ولیمه عروسی علی علیها السلام و فاطمه علیها السلام بودند. (۵۰)

آورده اند که پیامبر صلی و سلمین از طرف اهل بیت و اهل خانه و بوسیله عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عقبه به خانه های بی سرپرستان و ضعفا و بینوایان از مسلمانان و از هم پیمانان می فرستاد و در آن روز خاکی ای نماند که از غذای عروسی فاطمه علیها السلام جا نرفته باشد. (۵۱)

از خانه پیامبر صلی و سلم و علی علیه السلام

روز اول ماه ذیحجه سال دوم هجرت (۵۲) روز بسیار مبارکی بوده چرا که در حقیقت

روز شادی پیامبر صلی و سلم و علی و فاطمه بود که در شب آن ، پیامبر صلی و سلم و فاطمه علیها السبلا لله علی فرستاد.

مورخین درباره کیفیت بردن فاطمه علیها السلام : شب که فرا رسید پیامبر

صلی و سلم و فاطمه و علی را بیاور و پس از آماده شدن، پیامبر صلی و سلم و علیها السلام سوار کرده تا به خانه علی برود.

پس سلمان افسار مرکب را در دست گرفته و رسول خدا صلی و سلم و علی و فاطمه را

گرفته بود، هم چنان که به راه خود ادامه می دادند ناگهان از پشت سر، سر و صدایی به

گوشش رسید، نگاه کرد دید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل هستند که به همراه گروهی از

فرشتگان به زمین فرود آمده اند.

پیامبر صلی و سلم و علی و فاطمه و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل چه سؤل شده اید؟ در پاسخ گفت : ای رسول

خدا صلی و سلم و علیها السلام فاطمه علیها السلام را به خانه علی ببریم، پس جبرئیل تکبیر گفت و

میکائیل نیز تکبیر گفت و اسرافیل چنین کرد و سایر فرشتگان به دنبال این سه فرشته

تکبیر سر دادند و به دنبال آنها پیامبر صلی و سلم و علی و فاطمه و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و آوای

تکبیر را سر داد و از آنها پس در مراسم عروسی و بردن عروس به خانه شوهر تکبیر

گفتن سنت شد. (۵۳)

هم چنین نقل شده که پیامبر صلی و سلم و علیها السلام و فاطمه و علی و اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و انصار

دستور داد تا به همراه فاطمه علیها السلام شادی کنان رجز بخوانند و ت کبیر بگویند و

سخنی که مورد رضای خدا نیست بر زبان جاری نسازند.

جابر گوید: پس فاطمه علیها السلام بای خود سوار کرده و سلمان افسار آن را به دست گرفته و گرداگرد فاطمه علیها السلام را حوریه در حرکت بودند.

از سوی دیگر پیامبر صلی و سلمین علیه السلام و جعفر و ابوبکر و علی و اهل بیت در پشت سر فاطمه علیها السلام که شمشیرهای خود را کشیده بودند، به راه افتادند و زنان پیامبر صلی و سلمین علیه السلام را در پیشانی کاروان شادی حرکت کرده و ام سلمه و حفصه و معاذه مادر سعد سروده ای می خواندند و در سایر زنان با تکرار مصراع اول شادی خود را اظهار می کردند و سپس تکبیر سر می دادند تا این که داخل علی شدند. (۵۴)

دست فاطمه علیها السلام علی علیها السلام

در این که پیامبر صلی و سلمی در آنجا دست فاطمه علیها السلام است علی قرار داد در بین مورخان اختلاف هست برخی آن را در خانه پیامبر صلی و سلمی بر آنجا قرار دادند را در مسجد می دانند.

شیخ طوسی روایت کرده همین که آفتاب غروب کرد، پیامبر صلی و سلمی فرمودند: «یا فاطمه دخترم را بیاور. او فاطمه علیها السلام حاضر پیامبر آورد، در حالی که از شرم و حیا از رسول خدا و گویشهای او شل شده و زمین گشاده و عرق از پیشانی سر ازیر بود، در برابر آن حضرت قرار گرفت. رسول خدا صلی و سلمی طولی نداشت و از آنجا که فاطمه علیها السلام و دست فاطمه علیها السلام و در دست علی قرار داد و فرمود: «بارک الله فی ابنة رسول الله، یا علی نعم الزوجة فاطمه علیها السلام» علیها السلام علی ؛ خدای دختر رسول خدا صلی و سلمی و او را اگر دانند علی جان فاطمه علیها السلام بسیار خوبی است، ای فاطمه علیها السلام مهر بسیار خوبی است. (۵۵)»

اما ابن شهر آشوب آورده است که پیامبر صلی و سلمی از بر آن فاطمه علیها السلام علی خود به مسجد رفته و نخست علی را فراخواند و سپس فاطمه علیها السلام آنگاه دو دست دخترش را در دست علی گذاشت... (۵۶)

دعای ویژه برای فاطمه علیها السلام

و سر انجام آن شب پیش از آن. که خانه علی علیها السلام علیها السلام کند، چند دعای ویژه در حق آن دو نموده که هرگز شخص دیگری را در این دعا شریک نساخت از جمله این که فرمود: خدایا این دو بهترین بندگان تو در نزد من هستند، خدایا، تو آن ها را دوست داشته باش و فرزندان را بر آن ها مبارک گردان و نگاهیانی از سوی خود بر آن ها بگمار و از شر شیطان رجیم نسبت به این دو و فرزندانشان به تو پناه می برم .

(۵۷)

اسماء اضافه می کند پیامبر صلی و سلم علیها السلام علیها السلام پیوسته برای هر دو دعا می کرد که هیچ کس دیگری را با آن ها شرکت نمی داد، او پیوسته دعا می کرد تا وارد حجره خود شد. (۵۸)

چشم اندازی به خانه فاطمه

در مدینه منوره؛ شهر پیامبر، تنها یک خانه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا می‌زیست. در و دیوار و فضای این خانه از معنویت و نورانیتی خاص، حکایت داشت.

این خانه روز و شب محل نزول و عروج فرشتگان الهی بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا می‌زیست. این خانه احترام می‌گذاشت که بدون اجازه وارد آن نمی‌گردید، هر صبح و شام به آن جا می‌رفت و پس از کوبیدن در آن، با صدای بلند بر اهلیش سلام می‌داد. هنگام خارج شدن از شهر، آخرین نقطه توقفش در مدینه بود و پس از مراجعت، اول بسراغ همان خانه می‌رفت.

آن خانه خانه فاطمه علیها السلام است. این بخش به وصف آن خواهد پرداخت.

سینه خود گذارد و در میان دو چشم آن دو را بوسه زد. آن گاه به علی عليه السلام علی جان! خوب همسری داری و به فاطمه عليها السلام فاطمه! تو هم خوب همسری داری. سپس از جای برخاسته و پیشاپیش آن دو راه افتاد تا این که آن دو را به خانه ای که از پیش برای آن ها ساخته بود، وارد کرد.

سپس هنگام خروج از خانه، در حالی که دستگیره در را گرفته بود، فرمود: «**طهر کما الله و طهر نسلکم...** خداوند شما و نسلتان را پاک گرداند.» (۶۲)

۴- راهی به بیرون جز از مسجد نداشت

از دیگر ویژگی های این خانه این بود که هیچ گونه راهی به بیرون جز از طریق مسجد نداشت. بدون شک در این کار عنایتی بود. شاید راز این عمل برای مسلمانان آشکار نگردید.

سید محمد باقر نجفی می نویسد: همگی مورخان اذعان دارند که خانه علی در دیگری جز آنچه که به سوی مسجد باز می شد، نداشت. (۶۳)

۵- خانه رفیع و یر نور

از دیگر ویژگی های این خانه این است که همانند دیگر مساجد و خانه های پیامبران، از نورانیت و جلال و شکوه خاصی برخوردار و از خانه هایی بود که قرآن مجید درباره آن ها فرمود:

«**فی بیوت اذان الله ترفع و یذکر فیها اسمہ** (۶۴)؛ در خانه هایی که خدا رخصت داده که (قدر و منزلت) آنها رفعت یابد و نامش در آن ها یاد شود.»

در روایتی که در ذیل آیه فوق آمده است، انس از بریده نقل می کند : هنگامی که پیامبر صلی و سلم آیه الکرسی از جای برخاست و گفت: مقصود از این خانه ها کدام خانه هاست؟

پیامبر صلی و فریلم ﷺ روزی از آن روزها که ﷺ و صله مرا دوست می دارند . پس در روز قیامت به زیارت این دسته خواهم رفت و بازو نشان را گرفته و آن ها را از گرفتاری ها و سختی های روز قیامت نجات خواهم داد. (۶۷)

۷- زادگاه امام حسن و امام حسین علیه السلام

تردیدی نیست که زادگاه امام حسن، امام حسین، زینب کبری و ام کلثوم: در این خانه است اما نسبت به سایر امامان: بعید به نظر می رسد که زادگاهشان در خانه حضرت فاطمه علیها السلام باشد، زیرا در زمان عبدالملک بن مروان که حسن بن حسن علیها السلام جا سکونت داشت، او را از خانه حضرت فاطمه علیها السلام نمودند و خانه را به بهانه توسعه مسجد پیامبر صلی و فریلم ﷺ کردند.

همچنین بعید است که امام زین العابدین علیه السلام آن جا دیده به جهان گشوده باشد، زیرا آن حضرت در سال (۳۸ هجری قمری) به دنیا آمد و پدرش امام حسین علیها السلام سال همراه حضرت علی علیه السلام بود. بنابراین به نظر می رسد که امام سجاد علیها السلام به دنیا آمده باشد اما چنین سخنی را کسی نگفته است. بنابراین احتمال ها که حضرت امام سجاد علیها السلام (۳۴، ۳۵ یا ۳۶ هجری ق) به دنیا آمده باشد، می توان گفت حضرت در مدینه به دنیا آمده اما باز هم بعید است که در خانه حضرت فاطمه علیها السلام، زیرا امام حسین علیها السلام وقت در خانه حضرت فاطمه زندگی نمی کرد.

۸- محل رفت و آمد فرشتگان

امام باقر علیها السلام خانه علی علیه السلام و حجره پیامبر صلی و سلم ﷺ است و سقف آن خانه، عرش پروردگار می باشد . محل فرود وحی و رفت و آمد فرشتگانی است که هر صبح و شام و هر ساعت و لحظه، با آوردن پیام در حال آمد و شد هستند.

آن جا خانه ای است که هرگز رفت و آمد فرشتگان در آن ، پایانی ندارد . گروهی فرود می آیند و گروه دیگر بالا می روند. پروردگار عالمیان پرده را از آسمان ها برای حضرت ابراهیم علیه السلام و به نور باصره اش قوت بخشید، تا نگاهش به عرش افتاد. همچنین خداوند به دید چشم محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین: قدرت بیشتری داد ؛ و آن ها عرش پروردگار را از خانه های خود می دیدند و هرگز سقفی برای خانه هایشان جز عرش پروردگار نمی دیدند... (۶۹)

آری بسیاری از آیات الهی به وسیله، امین وحی در همین خانه بر پیامبر صلی و آله و سلم گشت. جریان حدیث کسا و آمدن جبرئیل نیز در همین خانه بود. (۷۰)

۹- سلام پیامبر صلی و آله و سلم بر اهل خانه

پس از آن که آیه **﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾** (۷۱) بر پیامبر صلی و آله و سلم گشت، آن حضرت چهل روز (۷۲)، شش ماه (۷۳)، هشت ماه (۷۴) یا نه ماه (۷۵) در هر صبح و شام به سوی خانه حضرت فاطمه علیها السلام و دستگیره در خانه را می گرفت و پس از سلام بر اهل آن خانه، به دستور آیه عمل می نمود و می فرمود: «**الصلاة یرحمکم الله**» (۷۶) و سپس این آیه را تلاوت می فرمود: «**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا**.» (۷۷)

ابو الحمراء می گوید: چهل روز پیامبر صلی و آله و سلم که هر روز او را طبع به طرف در خانه علی و فاطمه علیها السلام و دستگیره در را می گرفت و می فرمود : «**السلام علیکم اهل البیت و رحمة الله و برکاته** . الصلاة یرحمکم الله . انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (۷۸)

قندوزی حنفی پس از ذکر این حدیث می گوید: این حدیث از ۳۰۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر روایت شده است. (۷۹)

۱۰- بسته شدن در خانه ها جز خانه فاطمه علیها السلام

یاران رسول خدا آن گله که می بیند در خانه علی علیها السلام باز می شود، هر یک از خانه خود دری به مسجد باز می کنند . دیری نگذشت که فرمان رسول خدا صلی و آلمک علیه السلام بآنکه در خانه علی علیها السلام اعتراض بالا گرفت اما پیامبر صلی و آلمک علیه السلام بر موضوع پیافشاری کرد و تمام درها، حتی پنجره ها را، جز در خانه علی علیها السلام

زید بن ارقم می گوید: برخی از یاران از حضرت خواستند که اجازه دهد، درها همچنان باز بماند. پیامبر صلی و آلمک علیه السلام بر آنکه در خانه علی علیها السلام و تنای الهی فرمود: به من دستور داده شد که درها، جز در خانه علی علیها السلام . حال می بینم که برخی از شما سخن گفته اید اما این را بدانید که سوگند به خدا! این من نبودم که در خانه ای را بسته یا باز کرده باشم، بلکه دستوری بود که من از آن پیروی کردم. (۸۰)

حدیث یاد شده از احادیث مسلم شیعه و سنی است و تا کنون کسی بر صحت آن اشکال نگرفته جز ابن الجوزی که آن را در ردیف احادیث موضوعه و ساخته رافضی ها خوانده است اما ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری در رد گفته ابن الجوزی اظهار می دارد:

«أخطاء في ذلك شنيعا فانه سلك في ذلك رد الأحاديث الصحيحة بتوهمه المعارضة؛ وى خطای زشتی را در این کتاب مرتکب شده است ، زیرا به بهانه تعارض ، بسیاری از احادیث صحیح را رد کرده است.» (۸۱)

۱۱- احترام ویژه امامان

گر چه در زمان معصومین علیهم السلام از اواخر زمان امام سجاد علیها السلام خانه حضرت فاطمه علیها السلام توسعه مسجد ویران کردند اما جایگاه خانه معلوم و

مشخص بود و مردم بدون هیچ تقیه ای، نسبت به خانه حضرت فاطمه علیها السلام ویژه ای قائل بودند.

امام جواد علیه السلام و مقارن اذان ظهر، نخست به زیارت رسول الله صلی و سلم و سپس به طرف خانه حضرت فاطمه علیها السلام و کفش های خود را بیرون می آورد و وارد خانه حضرت فاطمه علیها السلام و در آن جا نماز می گذارد. (۸۲)

نگاهی دیگر

نگاه دیگری که به این خانه می افکنیم ، حیرت‌مان بیشتر می شود. چرا که در این خانه هرگز از زخارف دنیا و تجمل گرایی چیزی یافت نمی شود، خانه ای بسیار ساده ، نه فرش قابل ذکری دارد و نه وسائل گران قیمت. اشتباه نشود، خیال نکنید که حضرت علی علیه‌السلام و تهی دست، آورده اند که از دسترنج خود هزار بنده را آزاد کرد، بلکه این خانواده نمی خواستند غیر از زندگی زاهدانه راه دیگری را در پیش گیرند، بدین جهت آنچه داشتند یا وقف فقرا و تهیدستان می کردند یا به دیگران می دادند و خود در نهایت ساده زیستی زندگی می کردند. (۸۳)

اینک نهم نگاهی به وسائل این خانه که در حقیقت همان جهیزیه حضرت فاطمه علیها‌السلام آن چند سال هیچ به آن اضافه نگشته بود خواهیم داشت. در این خانه علاوه بر چوبی که حضرت علی علیه‌السلام طرف اطاق جهت آویزان کردن لباس نصب کرده بود، یک پوست گوسفند که در کف اطاق انداخته، یک بالش که داخلش را از لیف خرما پر کرده بود چیز دیگری جز جهیزیه حضرت فاطمه علیها‌السلام (که صورت جهیزیه پیش از این، در بحث مراسم ازدواج از نظرتان گذشت)

سرنوشت خانه فاطمه علیها السلام

مکسافانه، این خانه و ساکنانش پس از رحلت پیامبر اسلام صلی و سلم بی مهری مسلمانان قرار گرفت و دست خوش حوادث ناگواری شد.

خانه ای که در و دیوارش بوی رسول الله صلی و سلم پیچیده است و این را می بیند و

محرابش یادآور سجده های طولانی یگانه یادگار پیامبر خدا صلی و سلم است. آنها فقط در

آن خانه را بستند و بر خلاف سفارش آن حضرت مردم را از فیض برکات آن خانه و اهلش محروم ساختند، بلکه برای بیعت گرفتن از علی علیها السلام هجوم ناجوانمردانه عده ای کینه توز و فرصت طلب قرار گرفت و سرانجام در زمان عبدالملک بن مروان، به بهانه توسعه مسجد، ساکنان آن را بیرون کردند و در خانه را ویران ساختند.

تعجب این جا است که آن ها با مشاهده آن همه عطوفت و مهرورزی ها و احترام

فوق العاده پیامبر صلی و سلم به آن بیگانه ها و این نسبت به فاطمه علیها السلام

مردان کینه توز و فرصت طلب را جهت بیعت گرفتن از علی علیها السلام خانه فاطمه علیها السلام ساختند.

آنان مگر حضرت فاطمه علیها السلام شناختند که با بردن آتش (۸۴) هم در خانه را

سوزاندند (۸۵) و شکستند (۸۶)، هم پهلو (۸۷) و حرمت صاحب خانه را. (۸۸)

در این خانه که آن را هاله ای از غم و مظلومیت فرا گرفته، دو قبر مجهول و گمشده و

یک محراب قرار دارد. قبر اول، قبر محسن پنجمین فرزند حضرت علی و فاطمه

علیها السلام گویا در پای در خانه دفن گودید. قبر دوم احتمالاً قبر فاطمه علیها السلام

محراب که برای همگان قابل رؤیت است و روزی این محراب محل نماز، سجده و

دعای حضرت فاطمه علیها السلام علیها السلام

جای بسی تعجب است که آن خانه ای که در زمان عبدالملک بن مروان به بهانه
توسعه مسجد پیامبر خراب می شود، امروزه در محاصره نرده های آهنین قرار گرفته
است.

فاطمه اسوه حیات زیبا

انسانهای پاک سرشت در پی یک زندگی پاک و حیات طیب هستند که زیباترین نماد آن را می توان در زندگانی رهبران دینی جستجو کرد.

فاطمه، از آن مریبان و معلمان اخلاق است که بشر می تواند زندگی او را به عنوان بهترین الگو برای رفتار و معاشرت خود قرار دهد.

آن چه در پیش رو دارید اشاره ای است کوتاه و گذرا از ایمان، عبادت ترس از خدا و روز قیامت و اخلاق و روش معاشرت او که به اختصار از آن یاد می شود.

۱- تهجد و عبادت

در این نه سالی که فاطمه علیها السلام علی بود اگر چه برای او یک دوران پر خاطره به حساب آمد، اما هرگز او را از هدف اصلی یعنی رسیدن به معبود و معشوق خود باز نداشت.

او همانند پدرش محمد مصطفی صلی و بعظمی بنی نهار ان علیان عباد الله و ابلاغی خدا بود و به گفته حسن بصری: «لم یکن فی ه ذه الأمة أزهذ ولا أعبد من فاطمه علیها السلام» امت عابدتر از فاطمه علیها السلام (تر از او نداریم!)» (۸۹)

و همو گوید: وی آن قدر نماز می خواند و خدا را عبادت می کرد که دو پای مبارکش ورم می کرد. پیامبر بزرگوار اسلام صلی و سلیم علیا بن علیا و عباد برانگیز فاطمه علیها السلام کمال مختلف بیان می داشت:

الف. وجود فاطمه علیها السلام ایمان است

ابن شهر آشوب از محمد بن علی بن الحسین روایت کرده که روزی پیامبر صلی و سلمس سلیمان را برای رساندن پیامی به خانه فاطمه فوستاد سلمان گوید: پس از درنگی کوتاه پشت در خانه فاطمه علیها السلام سلام گفتم. پس صدای فاطمه علیها السلام حل خانه

شنیدم که قرآن می خواند و در فضای بیرون، دستاس در حال چرخیدن بود . گوید : به محضر پیامبر صلی و سلم گفتم او ملائکه را به آواز بلند از آسمان کردم آن حضرت تبسمی کرد و فرمود: «یا سلمان، ان ابنتی فاطمه علیها السلام قلبها و جوارحها ایمانا الی مشاشها ... ای سلمان! خداوند قلب و اعضا و جوارح دخترم فاطمه علیها السلام سرش سرشار از ایمان کرده، دخترم خود را در اطاعت و عبادت خدا قرار داده و خداوند فرشته ای را به نام زوقبیل جبرئیل فرستاده تا به جای او دستاس را بگرداند.» (۹۰)

ب. سلام فرشتگان به فاطمه علیها السلام

ابن عباس از پیامبر صلی و سلم نقل می کند که فرمودند: «فصل من الاحادیث و ما رواه عن ابی حمزة فاطمه، پس او سیده زنان عالمیان از اولین و آخرین است. هنگامی که در محراب عبادت ایستد، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقربین بر او سلام گفته و همان ندایی را که به مریم می گفتند به فاطمه علیها السلام می گویند، که: «ان الله اصطفاك و طهرک و اصطفاك علی نساء العالمین.» (۹۱)

ج. منزلت خداوندی

پیامبر اسلام صلی و سلم از فاطمه علیها السلام روایت می کند که فرمودند: «فصل من الاحادیث و ما رواه عن ابی حمزة فاطمه، پس او سیده زنان عالمیان از اولین و آخرین است. هنگامی که در محراب عبادت ایستد، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقربین بر او سلام گفته و همان ندایی را که به مریم می گفتند به فاطمه علیها السلام می گویند، که: «ان الله اصطفاك و طهرک و اصطفاك علی نساء العالمین.» (۹۱)

نیازش باز چنین پرده برداشته و ندای خداوند به فرشتگان را این چنین بیان می کند : یا ملائکتی انظروا الی امتی فاطمه علیها السلام ای، قائمه بین یدی ترتعد فرائصها من خیفتی و قد اقبلت بقلبها علی عبادتی و اءشهدکم انی قد اءمنت شیعتها من النار ؛ فرشتگانم به فاطمه علیها السلام چگونه در مقابل من ایستاده و از ترس من اعضای بدنش می لرزد و من قلبش را به عبادت خودم مشغول کرده ام ، شاهد باشید که من دوستان و شیعیان او را از آتش جهنم ایمن کردم. (۹۲)

۲- ترس از روز قیامت

حضرت زهرا علیها السلام از روز قیامت و سخنی آن نگران بود و از پدر بزرگوارش درباره چگونگی زنده شدن و احوال روز قیامت سؤالات بسیاری می نمود.

علامه مجلسی می نویسد هنگامی که آیه «وان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم» (۹۳) بر پیامبر صلی و نازل شد حضرت با آن گریست

و یارانش نیز بر اثر گریه آن حضرت گریستند اما کسی نمی دانست که پیامبر صلی و سلمه می گیرد، و جبرئیل چه چیزی را بر او نازل کرده که باعث گریه فراوان پیامبر صلی و سلمه شده است و از طرفی هیچ کس یارای سخن گفتن با آن را حضرت نداشت.

یاران چون می دانستند وقتی پیامبر صلی و سلمه به فاطمه علیها السلام شاد می گردد، یکی از اصحاب به خانه فاطمه رفت تا وی را از این ماجرا و گریه پیامبر صلی و سلمه خبر دهد حضرت رسول خدا صلی و سلمه این خبر بر آن نقل نمود و او در حالی که خود را به یک چادر کهنه که دوازده جای آن را با لیف خرما وصله کرده بود پوشانیده ، خانه را به قصد مسجد و دیدار پیامبر صلی و سلمه گرفت

همین که سلمان فارسی چشمش به چادر فاطمه افتاد گریست و گفت واحزنانه... بر تن دختران قیصر و کسری لباسهای سندس و ابریشم می باشد اما دختر پیامبر خدا صلی و سلمس فقط یک چادر پشمینه کهنه داشته باشد!!

هنگامی که فاطمه علیها السلام صلی و سلمه را دید حضرت رسول خدا صلی و سلمه پرسید: ای رسول خدا سلمان از لباسی که من دارم شگفت زده شده است و آن خدایی که تو را به پیامبری برانگیخت پنج سال است که با علی علیها السلام می کنم و جز پوست گوسفندی که روزها علف شترمان را روی آن می ریزیم و شبها زیرانداز ما می باشد چیز دیگری نداریم ، سپس فرمود: پدر جان جانم فدایت باد چه چیز تو را به گریه درآورده است؟!

پیامبر صلی و سلم علیها السلام که جبرئیل بر او نازل کرده بود بر

دخترش تلاوت کرد.

فاطمه علیها السلام ترس و وحشت با صورت بر زمین افتاد در حالی که می فرمود :

وای پس وای پس وای، وای بر کسی که وارد دوزخ شود.

سلمان که چنین دید از وحشت گفت: ای کاش گوسفندی بودم که گوشت مرا می

خوردند و پوست مرا پاره پاره می کردند و هرگز نامی از آتش جهنم نمی شنیدم.

ابوذر گفت: ای کاش مادرم نازا بود و مرا نمی زایید که نام آتش را بشنوم.

مقداد می گفت: ای کاش پرنده ای بودم که بر من حساب و کتاب و عقابی نبودم و نام

آتش را نمی شنیدم، علی علیها السلام: ای کاش مادرم مرا نمی زایید و نام آتش را

نمی شنیدم، پس دست بر سر می گذاشت و می گفت: وای از دوری راه و کمی توشه در

سفر آخرت. (۹۴)

۳- انس با قرآن کریم

توجه ویژه حضرت زهرا به قرآن کریم در طول زندگی خود درس دیگری را به

شیفتگان این کتاب آسمانی می دهد. گاهی اوقات که امام علی علیها السلام به منزل

می آمد ملاحظه می کرد، همان آیاتی که لحظاتی قبل بر پیامبر صلی و سلم علیها السلام تلاوت شده بود.

فاطمه علیها السلام با کمال تعجب می پرسید این آیات از چه راهی به شما رسیده

است در حالی که لحظاتی پیش نیست که این آیات بر پیامبر صلی و سلم علیها السلام تلاوت شده است.

فاطمه علیها السلام می فرمود: فرزندان حسن آنها را برایم تلاوت کرده است. (۹۵)

و در روایت دیگری آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام **حب الی من دنیاکم**

تلاوة کتاب الله و النظر فی وجه رسول الله صلی و سلم علیها السلام را چیرگی دنیای

شما را دوست دارم: تلاوت قرآن کریم، نگاه به چهره مقدس پیامبر صلی و سلم علیها السلام را

خدا. (۹۶)»

و پیش از این گذشت که وقتی سلمان فارسی جهت رساندن پیامی از پیامبر صلی و سلمی ﷺ
خانه فاطمه علیها السلام صدای قرآن خواندن فاطمه علیها السلام را شنیده و
برای پیامبر صلی و سلمی ﷺ

۴- دعا برای دیگران

حضرت فاطمه علیها السلام سخن گفتن با خدا و چگونه دعا کردن را به آیندگان
آموخت، او همیشه دعا می کرد و همه چیز از خدا می خواست اما نه برای خود، فاطمه
علیها السلام دعا کردن نیز ایثار می کرد و همه را بر خود مقدم می داشت.
امام حسن مجتبی علیهما السلام مادرم فاطمه علیها السلام جمعه ای دیدم که پیوسته
در حال رکوع و سجود بود تا این که صبح دمید و شنیدم که مؤ منین و مؤ منات را نام
می برد و بسیار برای آنان دعا می کرد، اما ندیدم حتی یکبار برای خودش دعا کند، از
روی تعجب گفتم: مادر، چرا برای خودت دعا نمی کنی و از خدا چیزی نمی خ واهی،
همان گونه که برای دیگران دعا می کنی؟!
مادرم در پاسخ فرمود: یا بنی الجار ثم الدار ، فرزندم اول باید همسایه را در نظر
گرفت. (۹۸)

۵- احترام فوق العاده به پیامبر صلی و سلما ﷺ

بر پیامبر نازل گشت، حضرت فاطمه علیها السلام رسول الله خطاب می کرد.
امام حسین علیها السلام فاطمه زهرا نقل می کند که فرمود:
از آن روزی که این آیه بر پیامبر نازل گشت، هیبت آن حضرت مانع شد که او را پدر
خطاب کنم، از اینرو می گفتم: یا رسول الله. چون پیامبر این برنامه را از من مشاهده کرد،
فرمود: دخترم! این آیه در باره تو و اهل بیت تو نازل نگشته است، زیرا تو از من هستی
و من از تو می باشم، بلکه این آیه درباره اهل جفا و متکبران نازل گشته که احترام مرا
نگه نمی دارند.

دخترم! تو مرا با همان کلمه پدر خطاب کن که برای آرامش قلب من بهتر و به خوشنودی خداوند نزدیک تر است. سپس پیشانی مرا بوسید و مقداری از آب دهان خود به من مالید که از آن پس هرگز نیاز به عطر پیدا نکردم. (۹۹)

شیخ مفید به نمونه دیگری از احترام فاطمه علیهاالسلام صلی و آله و سلم که صلی و آله و سلم بخش خواستگاری از فاطمه علیهاالسلام

۶- سبقت در اسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام از سنت حسنه رسول خدا صلی و آله و سلم که صلی و آله و سلم در حدیث آمده است که شخصی گفت: بر حضرت فاطمه وارد شدم تا مرا دید سلام کرد و در این امر نیکو بر من پیشی گرفت، سپس فرمود: چه چیز تو را به این جا آورده است؟

عرض کردم: به جهت بدست آوردن خیر و برکت.

فاطمه علیهاالسلام پدرم مرا خبر داد که هر کس سه روز بر من و یا پدرم درآید و سلام کند، خداوند بهشت را بر او واجب می گرداند. (۱۰۰)

۷- تحمل سختی های زندگی

در روزهای نخست شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه، مشکلات فراوان و طاقت فرسایی بر مسلمانان وارد شد. بسیاری از مهاجرین و انصار با تنگدستی روزگار می گذراندند، به یقین با وجود این حالت رقت بار که برای حفظ اسلام و پیروی از پیامبر پیش آمده بود هرگز برای انسانهای با تقوا و دین دار قابل قبول نبود که خود در بهترین شرایط زندگی کنند و دیگر مسلمانان را به حال خود رها سازند.

بدین جهت حضرت زهرا علیهاالسلام یک شاهد این مسائل بود چگونه می توانست چیزی بگوید در حالی که علی نیز یکی از همان تهی دستان بود که همانند سایر

مسلمانان زندگی می کرد و اگر هم بر چیزی دست می یافت، دیگران را بر خود مقدم می داشت.

تا چند سال وضع به همین منوال سپری شد، علی و فاطمه زیراندازی به جز یک پوست گوسفند که روی آن می خوابیدند نداشتند، با این حال فاطمه **علیهاالسلام** و سختی های زندگی را به خاطر خدا و پدر و شوهر خویش تحمل کرد پیامبر **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** **علی** **علیهاالسلام** **علیهاالسلام** دختر خود را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات زندگی فرامی خواند.

انس گوید: روزی فاطمه **علیهاالسلام** پدر آمده، عرض کرد یا رسول الله **صلی و سلمی** پسر عمویم زیراندازی جز یک پوست گوسفند نداریم، که شبها ما از آن استفاده نمی کنیم و روزها علف شترمان را روی آن پهن می نمایم. پیامبر **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** زیرا موسی بن عمران **علیهاالسلام** از روزهای زندگی خود را سپری کرد در حالی که چیزی جز یک عبا قطوانیه نداشت. (۱۰۱)

همچنین نقل شده است که روزی پیامبر **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** **ابوایوب** به منزل او رفتند، حضرت مقداری از گوشت را بر داشت و در قرص نانی گذارده به **ابوایوب** فرمود: این را به خانه فاطمه **علیهاالسلام** بیا چون روز است که از چنین غذایی استفاده نکرده است. (۱۰۲)

جابر انصاری گوید: روزی پیامبر **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** که عبايي از پشم شتر بر سر افکنده و با دو دست خود آرد می کرد، و فرزند خود را نیز شیر می داد. پیامبر **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** در حالی که اشک بر گونه هایش جاری بود، فرمود: دخترم پیش از شیرینی آخرت تلخی دنیا را بچش.

فاطمه **علیهاالسلام** کرد: یا رسول الله **صلی و سلمی** **طبر** **بوان** **لا** **وطع** **المیثقی** کنم و بر نعمتهای ظاهری اش شکر گزارم. (۱۰۳)

۸- پاسخ به پرسش های مذهبی

حضرت فاطمه علیها السلام یک مبلغه دین از توان بالایی برخوردار بود. از نظر علم جز با امام معصوم هرگز قابل مقایسه نیست و از نظر اخلاق و برخوردها باید وی را با پدر بزرگوارش مقایسه کرد. آن حضرت روش برخورد با مردم و به خصوص کسانی که در حوزه دین ابهاماتی داشتند، از پدرش یاد گرفته بود. امام حسن عسکری علیهما السلام زنی نزد حضرت فاطمه شرفیاب شد و گفت: من مادر ضعیفی دارم که در مورد نماز دچار اشتباهی گردیده و مرا نزد شما فرستاده تا از شما مشکل او را سؤال کنم.

حضرت فاطمه جواب مسئله او را داد. وی بار دوم و سوم آمد و پرسید و پاسخ گرفت و این عمل تا ده بار تکرار شد و باز هم فاطمه زهرا علیها السلام سؤال او را بیان کرد. آن زن از این همه رفت و آمدهای پی در پی شرمند شد و گفت: بیش از این شما را به زحمت نمی اندازم و دیگر سؤال نمی کنم.

صدیقه طاهره فرمود باز هم بیا و هر چه سؤال داری بپرس سپس ادامه داد اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را ببارتفاعی بالا ببرد ولی در مقابل بعنوان اجر و مزد به وی صد هزار دینار طلا بدهند آیا در مقابل چنین اجرتی این بار سنگین برایش دشوار خواهد بود؟ آن زن پاسخ داد: نه.

حضرت فرمود: هر مسئله ای که پاسخ می دهیم خداوند بیش از فاصله بین زمین و عرش که پر از لؤلؤ و جواهر شده باشد به من پاداش می دهد. پس مسلم است که تو هر قدر سؤال کنی برای من هیچ گونه ناراحتی ایجاد نخواهد کرد.

از پدرم رسول خدا صلی و سلم که علی فرمود: **لَا تَزَالُ تَطَّلِقُونَ** که علمای شیعیان ما محشور می گردند به میزان دانش شان به آنان خلعت های گرانبهای ی داده می شود و

میزان خلعت ها با میزان تلاشی که برای ارشاد بندگان خدا نموده مناسب دارد تا جایی که به یکی از آنان هزار زیور از نور هدیه می دهند.

آن گاه منادی از سوی پروردگار ندا می دهد : ای کسانی که ایتم آل محمد را سرپرستی کردید و ای آنان که در هنگام نبود پدران این ایتم که ائمه اطهار باشند آنان را محافظت و مراقبت می کردید، اینان همان شاگردان شمایند، همان یتیمانی که سرپرستی و نگهداری شان نمودید و با علوم خود، آنان را شاداب و با طراوت کردید، پس آنان به مقدار علمی که به شاگردان خود داده اید، از سوی خدا به آنان خلعت دهید، پس آنان به شاگردان خویش به مقدار درسی که به آنها در دنیا داده بودند خلعت می دهند حتی برخی از این شاگردان نیز به شاگردان خود خلعت می دهند و از سوی خدای تبارک و تعالی امر می شود که به معلمان، دو برابر آن چه به شاگردان خود خلعت داده اند خلعت داده شود.

پس حضرت فاطمه علیها السلام یک نخ از این خلعت های آخرتی از آن چه که خورشید یک میلیون بر آن بتابد با ارزش تر است. (۱۰۴)

۹- التزام به تعهدهای اخلاقی

بسیاری از انسان ها در موقع تبیین برخی از ارزش ها و طرفداری از آن، خوب سخن می گویند، اما نوبت به مرحله عمل می رسد، معلوم می شود که همه اش حرف بوده و بس. اما این اصل ارزشی یعنی تطابق گفتار و کردار در زندگی معلمان اخلاقی همچون فاطمه علیها السلام بسیار مهم و ویژه ای دارد.

گویند: وقتی که قرار شد پیامبر صلی ویکمراسلین و ابی فاطمه هبه کند تا در کارهای خانه او را کمک نماید، رسول خدا صلی ویکمراسلین سرای را بر سر در خانه دخترش فرستاد و سفارش فرمود: تا با او مدارا شود.

هنگامی که فاطمه علیها السلام شش را از پدر شنید، به پدر گفت : ای رسول خدا صلی و سلم علیک السلام ای کاش روز با او و در مرحله عمل نیز چنین کرده و تا آخر بدان پای بند بود.

سلمان گوید: روزی فاطمه علیها السلام بود: و در برابرش دستاس گذارده بود، و جو آرد می کرد و دست های آن حضرت زخمی شده بود، از سوی دیگر حسین علیها السلام گوشه خانه از گرسنگی به خود می پیچید، عرض کردم : ای دختر رسول الله صلی و سلمن دستهایت زخم شده است. چرا بعضی کارها را به فضا واگذار نمی کنی؟! فرمود: پدرم به من سفارش کرده که کارهای خانه یک روز با من باشد و یک روز به عهده او، و دیروز نوبت او بوده است. سلمان گوید: عرض کردم... اجازه دهید یا جو را آرد کنم و یا حسین علیها السلام مایم؟

فرمود: من به آرام کردن حسین علیها السلام ترم، تو جو را آرد کن. مقداری از جو را آرد کردم تا این که صدای اقامه پیامبر صلی و سلم گوشه گوشه خانه را پیامبر صلی و سلمم و پیامبر و سلم را برای علی نقل کردم.

حضرت گریان به خانه رفت اما مدتی نگذشت که شاد و خندان به مسجد برگشت . پیامبر صلی و سلمین را علی علیها السلام در جواب فرمود: بر فاطمه علیها السلام دیدم به پشت خوابیده و حسین هم روی سینه اش به خواب رفته است و آسیاب و هم بدون آن که کسی آن را بگرداند می چرخد.

رسول خدا فرمود: مگر نمی دانی در روی زمین فرشتگانی است که در حال گردش اند و تا روز قیامت، محمد و آل محمد را خدمت می کنند. (۱۰۵)

روشن است که فاطمه علیها السلام می توانست چنین قراری را نگذارد و اگر گذاشت، گاهی بخاطر رسیدگی بیشتر به فرزندان و یا در حالات ویژه به تعهد خود عمل نکند و یا درخواست کمک بنماید، چرا که او نه سوگند یاد کرده بود و نه از لحاظ شرعی ملزم به

رعایت چنین تعهدی بوده؛ زیرا این مسئله فقط یک تعهد اخلاقی بود، اما می بینیم که حضرت هرگز این عهد را نشکست و تا آخر به آن پای بند بود.

۱۰- خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت

آورده اند روزی علی و فاطمه علیهما السلام رسول خدا صلی و آله و سلم را خواستگاری کرده تا برنامه زندگی و خدمات در خانه را برای هر یک معین بفرماید. پیامبر صلی و فاطمه علیهما السلام در آن خانگی گماشت و آن چه مربوط به بیرون از خانه بود به علی واگذار کرد. فاطمه که از این تقسیم صحیح و حساب شده بسیار خوشحال گشته بود، گفت: «فلا يعلم ما داخلني من السرور الا الله باكفائي رسول الله صلی و آله و سلم قال الرجل، فقط خدا می داند، چقدر خرسندم از این که می بینم رسول خدا صلی و آله و سلم را که فقط از عهد مرا عهدا مردان بر می آید معاف داشت.» (۱۰۶)

ناگفته نماند این تقسیم بدان معنا نبود که دیگر علی در منزل دست به هیچ کاری نزنند و یا فاطمه علیها السلام بی که مربوط به تأمین معاش و زندگی است به علی علیها السلام کمک نکند، بلکه بر اساس برخی از روایات، هم علی علیها السلام به کمک زهرا علیها السلام می شتافت و گاهی خانه را جارو می زد و گاهی فاطمه برای تأمین معاش به کمک علی علیها السلام رفت و در مقابل رسیدن پشم برای مردم، قدری جو می گرفت و از آن نانی تهیه می کرد.

۱۱- خدمت بی منت

در طول سالی که فاطمه علیها السلام علی علیها السلام شتن چهار فرزند خردسال (جز در سال های آخر که خادمه ای برای آن حضرت معین شد) تمام کارهای خانه را خودش انجام می داد.

فاطمه علیها السلام بچه داری خود از چاه آب می کشید و جو آسیاب می کرد، اما اظهار خستگی نکرده، و هرگز به خاطر چنین کارهایی بر شوهر منت نگذاشت و یا از کار کردن در خانه استنکاف نکرد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی ننمود.

فاطمه علیها السلام به خدا و پیامبری است که امیر مؤمنان علیها السلام فضایل و سجایای اخلاقی اش به مردی از بنی سعد فرمود : آیا مایلی مطلبی را از خودم و از فاطمه علیها السلام بگویم ، او محبوبترین و عزیزترین خلق در نزد پیامبر

صلی و سلمما

او آنقدر با مشک آب از چاه کشید تا آن که در سینه اش اثر گذاشت و آن قدر با دستاس آرد کرد، تا آن که هر دو دستش سفت و سخت شد، و آن قدر خانه را نظافت کرد، تا آن که پیراهنش غبار آلود شد، و آن قدر آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسش سیاه رنگ گردید و این کارهای دشوار به وی آسیب فراوان وارد می آورد . روزی به فاطمه علیها السلام گفته شد که خوب است نزد پدرت رفته و از آن حضرت بخواهی که خدمتگزاری برایت معین نماید تا این خدمات را انجام دهد

فاطمه علیها السلام خدا صلی و سلمما و علی کرم الله وجهه را در آن حضرت نشسته بودند،

لذا از گفتن حاجتش خودداری کرد و برگشت. (۱۰۷)

فاطمه الگوی حیا و عفاف

تا کنون به نام و تاریخچه بسیاری از زنان در جهان اسلام و یا حتی جهان بشریت برخورد کرده ایم، اما موفقیت هر یک از آن‌ها در یک جهت و بسیار محدود بوده و در مقایسه با یکدیگر، مشاهده می‌کنیم هیچ کدام جامع تمام صفات و کمالات اخلاقی و علمی نبوده‌اند.

اما دخت نبی اکرم صلی و سلمه فاطمه زهرا علیها السلام تنهایی جامع تمام صفات انسانی و کمالات اخلاقی است، چرا که به شهادت پدر بزرگوار و اولاد طاهرینش، آئینه تمام نمای رسول خدا صلی و سلمه پاره تن او و حجت او و وصی او و وصیای او بوده است. سیره و روش فاطمه علیها السلام درس برای همگان است که تطبیق و پیاده کردن آن، سعادت و کامیابی را در پی خواهد داشت.

فاطمه علیها السلام زهد، پارسایی، اخلاق و بزرگواری، اخلاص و ایثار، حجب و حیا عفت و پاکدامنی و صدها خصلت خوب انسانی بوده است که در این درنگ کوتاه به نشانه‌هایی از حیا و عفت این بانوی کرامت و فضیلت می‌پردازیم:

فاطمه علیها السلام حجب و حیا

زندگی افتخارآمیز فاطمه علیها السلام نشانه‌ها است و آن‌ها گواهند که وی چقدر با حجب و حیا بوده و به این امر اهمیت می‌داده است.

فاطمه علیها السلام در مسائل دنیوی از حریم حیا پاسداری می‌کرد، بلکه حتی پس از مرگ خود حاضر نبود بدن پیچیده به کفنش در مقابل دیدگان نامحرم قرار گیرد و یا در آخرت همانند دیگر انسانها با بدن برهنه وارد صحنه قیامت و محشر کبری شود و تا این دو امر برایش تضمین نشد از اضطراب و دلهره بیرون نیامده و مرگ برایش گوارا نبود.

گفتگوی فاطمه علیها السلام است از اسماء

در صدر اسلام چنین رسم بود، هنگامی که مرد یا زنی از دنیا می رفت، پس از غسل و کفن، او را روی تخته ای قرار داده و با کشیدن پارچه روی میت او را تا محل دفن تشییع می کردند.

این منظره که برای فاطمه علیها السلام است و زننده بود، به هیچ وجه حاضر نبود، که پس از مرگش این گونه حمل گردد، چرا که هیکل زن اگر چه پوشیده بود، اما کاملاً پیدا بود.

بدین جهت در اواخر عمرش با گفتگویی که با اسماء داشت، این مسئله را مطرح کرده و فرمود: ای اسماء؛ من زشت می دارم آنچه را که با جنازه زنان انجام می دهند که فقط پارچه ای به روی زن می کشند؛ اسماء گفت: من در حبشه چیزی دیدم و مایلم شبیه آن را برای شما نشان دهم. آن گاه چند چوب تر و تازه درخت خرما را طلبیده و آنها را خم نموده و پارچه ای برویش کشید. فاطمه علیها السلام را بسیار شاد شد و فرمود: چقدر خوب و زیبا است. (۱۰۸) چرا که زن از مرد شناخته نمی شود. (۱۰۹)

اسماء گوید: فاطمه علیها السلام این نعش، خنده بر لبانش ظاهر شد چهره اش خندان نشد مگر همان وقت. (۱۱۰)

و در نهایت با تحسین این کار از اسماء خواستند که شبیه آن را برای او درست کنند، سپس فرمود: مرا مستور و پنهان کن، خداوند تو را از آتش جهنم مستور کند. (۱۱۱)

نمونه ای دیگر از حیای فاطمه

فاطمه علیها السلام زیادی از پدر داشتند و از جمله آن ها نحوه برانگیخته شدن انسانها در روز قیامت بود، چرا که فاطمه علیها السلام قیامت هول عظیمی در دل داشت.

گوید: روزی از پیامبر خدا صلی و سلمیه علیه و آله و سلم پرسیدم: برهنه اند؟

فرمود: آری ای دخترم.

گفتم: آیا من هم برهنه ام؟

فرمود: آری شما هم ولی آن جا کسی به کسی توجه ندارد.

گفتم: وا سوءتاه، یومئذ من الله عزوجل ؛ چقدر جای شرمندگی است ، آن روز در

مقابل خدای متعال. هنوز از محضر پدر بیرون نرفته بودم، که فرمود: اکنون، جبرئیل آمده

به من می گوید: ای محمد به فاطمه سلام برسان، و بگو به جهت حیا و شرمت از خدا

پروردگار وعده فرمود: که او را در روز قیامت به دو لباس از نور بپوشاند. (۱۱۲)

فاطمه علیها السلام عفاف و حجاب

مسئله دوم این است که فاطمه علیها السلام مظهر عفت و پوشش زنان مسلمان است ؛ زیرا با توجه به این که فاطمه علیها السلام نبود که کاملاً با خارج از خانه قطع رابطه کرده باشد؛ چون تاریخ گواه است که وی دعوت دیگر زنان را می پذیرفته ، هم چنین جهت تهیه وسائل روزمره به ویژه در روزهایی که حضرت علی علیها السلام داشتند بیرون می رفت، مرتب به خانه پیامبر صلی و سلمه و ... می کرد و ... به همراه دیگر زنان به مداوای زخمهای پیامبر صلی و سلمه ... و ... الوداع همراه پیامبر صلی و سلمه ... و ... پیوسته به احد می رفت، و گاه برخی از یاران پیامبر صلی و سلمه ... حضرت را ... می پذیرفته، اما با این حال باز هم بر مسئله عفاف و حجاب زن سخت تکیه می کرده است.

فاطمه علیها السلام بود که زن به کرامت انسانی اش پی برد، و خود را فدای امیال و هوسهای دیگران نکند، فاطمه می خواست که دامن زن مسلمان و هر آزاداندیش را از هر گونه فساد اخلاق و روابط نامشروع و ضد ارزشهای دینی پاک نگه دارد.

از حضرت علی علیها السلام شنیده که فرمود: ما روزی خدمت پیامبر صلی و سلمه ... بودیم، فرمود به من خبر دهید چه چیز برای زنان بهتر است؟

هیچکدام نتوانست جواب حضرت را بگویند و برخواسته پراکنده شدند.

من به نزد فاطمه علیها السلام سؤال را برای او نقل کردم و در ضمن گفتم که هیچیک از ما جواب رسول خدا را نمی دانستیم، حضرت زهرا علیها السلام جواب سؤال را می دانم سپس فرمود: بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند.

من به نزد رسول خدا صلی و سلم گفتم و گفتم یا رسول الله بهترین چیز برای زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هم هیچ مردی را نبیند.

حضرت با تعجب فرمود: شما که قبلا این جا حاضر بودید و چیزی نگفتید، پس این جواب را از کجا آوردی؟!
گفتم از فاطمه.

پیامبر صلی و سلمی **نماذج** از **احادیث** فاطمه **فرمود**: براستی که فاطمه پاره تن من است. (۱۱۳)

نا گفته نماند که این حدیث را هر یک به گونه ای معنی کرده اند که برخی از آن ها چندان صحیح بنظر نمی رسد، مثلا برخی معتقدند که مراد فاطمه **علیها السلام** که زن نگاه شهوت آلود به مرد نکند. و همچنین به زن چنین نگاهی نکند.
در پاسخ باید گفت: این گونه نگاه کردن برای زن و مرد حرام است نه این که بهتر آن است که چنین نگاهی نکند.

و با این بیان حدیث را چه جور معنی کنیم، آیا مقصود فاطمه این است که زن هرگز از خانه بیرون نرود، که این معنی هم صحیح نیست، زیرا نه تنها این امر امکان ندارد و عملی نیست، بلکه با خطی مشی و سیره خود فاطمه مخالف است. زیرا عرض شد خود فاطمه **علیها السلام** مد داشته.

پس منظور حضرت از این جمله چیست؟

بنظر می رسد که حضرت زهرا **علیها السلام** بر این بوده که زن تا می تواند از حضور غیر ضروری خود بکاهد و در صورت حضور، از اختلاطهای نامشروع و گفت و شنوهای غیر اخلاقی پرهیز کند.

درسی دیگر از فاطمه علیها السلام

آورده اند که روزی فردی نابینا از فاطمه اجازه ورود خواست ، حضرت زهرا علیها السلام خود را از او پنهان کرد، پیامبر که در آن جا حاضر بودند پرسیدند: دخترم چرا خود را از او پنهان کردی در حالی که او تو را نمی بیند؟
عرض کرد: درست است که او مرا نمی بیند اما من که او را می بینم ، علاوه بر این که این مرد نابینا بو را استشمام می کند. پیامبر صلی و آله و سلم علیه و آله و سلم می دانستند که او را چه تن من هستی. (۱۱۴)

سیمای فاطمه در روز قیامت

چهره مقدس و ملکوتی فاطمه زهرا علیهاالسلام علیهاالسلام آن قدر تابناک و روشن است که چندان به تحقیق و بررسی نیاز ندارد؛ اما با توجه به ایام شهادت (۱۱۵) آن بزرگوار شایسته است اندکی درباره فضایل حضرتش گفتگو کنیم. بر این اساس به سراغ روایات نورانی معصومان می رویم تا با مقام و جایگاه آن حضرت در قیامت آشنا شویم.

کیفیت برانگیخته شدن

برانگیخته شدن و رستاخیز از لحظات بسیار سخت و وحشتناک آینده بشر است ،
زمانی که معصومان همواره بدان می اندیشیده و گاه از خوف آن بیهوش می شدند.
فاطمه علیها السلام بود و بیشتر بدین زمان می اندیشید، فکر زنده شدن ، عریان
بودن انسان ها در قیامت، عرضه شدن به محضر عدل الهی و... او را در اندوه فرو می
برد.

امیر مؤمنان علی علیها السلام : روزی پیامبر صلی و بیله فاطمه را دید و او را در اندوهناک یافت.

فرمود: دخترم! چرا اندوهگینی؟

فاطمه علیها السلام : پدر جان یاد قیامت و برهنه محسور شدن مردم در آن روز
رنجم می دهد.

پیامبر فرمود: آری دخترم! آن روز، روز بزرگی است، اما جبرئیل از سوی خداوند
برایم خبر آورد من اولین کسی هستم که برانگیخته می شوم ، سپس ابراهیم و آنگاه
همسرت علی بن ابی طالب علیها السلام آن خداوند جبرئیل را همراه هفتاد هزار فرشته
به سوی تو می فرستد. وی هفت گنبد از نور بر فراز آرامگاهت بر قرار می سازد. آنگاه
اسرافیل لباس های بهشتی برایت می آورد و تو آن ها را می پوشی.

فرشته دیگری به نام زوقائیل مرکبی از نور برایت می آورد که مهارش از مروارید
درخشان و جهازش از طلا. تو بر آن مرکب سوار می شوی و زوقائیل آن را هدایت می
کند.

در این حال هفتاد هزار فرشته با پرچمهای تسییح پیشاپیش تو راه می سپارند. اندکی
که رفتی، هفتاد هزار حور العین در حالی که شادمانند و دیدارت را به یکدیگر بشارت

می دهند، به استقبال می شتابند، به دست هر یک از حوریان منقلی از نور است که بوی
عود از آن بر می خیزد... آن ها در طرف راستت قرار گرفته همراهت حرکت می کنند
هنگامی که به همان اندازه از آرامگاهت دور شدی، مریم دختر عمران همراه هفتاد هزار
حور العین به استقبال می آید و بر تو سلام می گوید، آن ها سمت چپ قرار می گیرند
و همراهت حرکت می کنند.

آن گاه مادرت خدیجه، اولین زنی که به خدا و رسول او ایمان آورد، همراه هفتاد هزار
فرشته که پرچمهای تکبیر در دست دارند، به استقبال می آیند، وقتی به جمع انسانها
نزدیک شدی، حوا با هفتاد هزار حور العین به همراه آسیه دختر مزاحم نزدت می آید، و
با تو رهسپار می شود.

حضور فاطمه علیها السلام مردم

فاطمه جان، هنگامی که به وسط جمعیت حاضر در قیامت می رسی ، کسی از زیر عرش پروردگار به گونه ای که تمام مردم صدایش را بشنوند، فریاد می زند : چشمها را فرو پوشانید و نظرها را پایین تا افکنید تا صدیقه فاطمه ، دخت پیامبر صلی و سلمو همراهانش عبور کنند.

پس در آن هنگام هیچ کس جز ابراهیم خلیل الرحمن و علی بن ابی طالب علیهما السلام به تو نگاه نمی کنند. (۱۱۶)

جابر بن عبدالله انصاری نیز در حدیثی از پیامبر صلی و سلمو چنین توضیح می کند:

روز قیامت دخترم فاطمه علیها السلام از مرکبهای بهشت وارد عرصه محشر می شود، مهار آن مرکب از مروارید درخشان چهار پایش از زمرد سبز، دنباله اش از مشک بهشتی و چشمانش از یاقوت سرخ است و بر آن گنبدی از نور قرار دارد که بیرون آن از درونش و درون آن از بیرونش نمایان است، فضای داخل آن گنبد، ا نوار عفو الهی و خارج آن پرتو رحمت خدایی است، بر فرازش تاجی از نور دیده می شود، که هفتاد پایه از در و یاقوت دارد که همانند ستارگان درخشان، نور می افشاند.

در هر یک از دو سمت راست و چپ آن مرکب هفتاد هزار فرشته به چشم می خورد. جبرئیل مهار آن را در دست دارد و بلصدای بلند ندا می کند : نگاه خود فراسوی

خویش گیرد و نظرها را پایین افکنید، این فاطمه علیها السلام محمد صلی و سلمو که عبور می کند.

در این هنگام، حتی پیامبران و انبیا و صدیقین و شهدا همگی از ادب دیده فرو می گیرند تا فاطمه علیها السلام کند، و در مقابل عرش پروردگار قرار می گیرد. (۱۱۷)

منبری از نور برای فاطمه علیها السلام

در ادامه گفتگوی با دختر گرامی اش درباره چگونگی حضور وی در عرصه قیامت ،
چنین می خوانیم:

سپس منبری از نور برایت بر قرار می سازند، که هفت پله دارد و بین هر پله ای نُه پله
دیگر صفت‌هایی از فرشتگان قرار گرفته اند، که در دستشان پرچم‌های نور است . همچنین
در طرف چپ و راست منبر، حور العین صف می کشند، آن گاه بر بالای منبر قرار می
گیری، جبرئیل می آید و می گوید: ای فاطمه ! آن چه دوست داری از خدا بخواه

(۱۱۸)

شکایت در دادگاه عدل الهی

اولین درخواست فاطمه علیها السلام قیامت، پس از عبور از برابر خلق شکایت از ستمگران است. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی و علیهم نقل می‌کند: عندنا هنگامی که فاطمه علیها السلام عرش پروردگار قرار می‌گیرد خود را از مرکب به زیر انداخته اظهار می‌دارد: الهی و سیدی، میان من و کسی که مرا آزرده و بر من ستم روا داشته داوری کن، خدایا بین من و قاتل فرزندم حکم کن. (۱۱۹)

بر اساس روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی و علیهم دختر فاطمه علیها السلام را که پیراهن های خونین در دست دارد وارد، محشر می‌شود پایه ای از پایه های عرش را در دست می‌گیرد و می‌گوید: «یا عدل یا جبار أحکم بینی و بین قاتل ولدی ؛ ای خدای عادل و غالب، بین من و قاتل فرزندم داوری کن. قال فیحکم لابنتی و رب الکعبه ؛ به خدای کعبه سوگند به شکایت دخترم رسیدگی می‌شود و حکم الهی صادر می‌گردد.» (۱۲۰)

دیدار حسن و حسین

دومین خواسته فاطمه علیهاالسلام قیامت از خداوند چنین است : خدایا حسن و حسین را به من بنمایان. در این لحظه امام حسن و امام حسین به سوی فاطمه علیهاالسلام روند در حالی که از رگهای بریده حسین علیهاالسلام خون می کند. (۱۲۱)

پیامبر خدا صلی و سلمی ای کاش می دانستم که می شود وارد بهشت شو، می گوید :

هرگز وارد نمی شوم تا بدانم پس از من با فرزندانم چه کرده اند!

به وی گفته می شود: به وسط قیامت نگاه کن. پس بدان سمت می نگرد و فرزندانش حسین علیهاالسلام نگردد که ایستاده و سر در بدن ندارد، دخت پیامبر ناله و فریاد سر می دهد.

فرشتگان نیز (با دیدن این منظره) ناله و فریاد بر می آورند. (۱۲۲)

امام صادق علیهاالسلام می گوید: حسین بن علی علیهماالسلام که سر مقدسش را در دست دارد می آید، فاطمه علیهاالسلام این منظره ناله ای جانسوز سر می دهد، در این لحظه هیچ فرشته مقرب و پیامبر صلی و سلمی و بنده مؤمنی نیست که آن که به حال او می گیرد. (۱۲۳)

در این موقعیت خداوند به خشم آمده به نام هبهب که هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گشته و هیچ آسودگی در آن راه نمی یابد و هیچ اندوهی از آن جا بیرون نمی رود، دستور می دهد کشندگان حسین بن علی علیهماالسلام و جمع کن ... آتش به فرمان پروردگار عمل کرده، همه آن ها را بر می چیند. (۱۲۴)

شفاعت برای دوستان اهل بیت

سومین درخواست فاطمه علیهاالسلام قیامت از پروردگار شفاعت از دوستان و پیروان اهل بیت است که مورد قبول حق قرار می گیرد و دوستان و پیروانش را مورد شفاعت قرار می دهد.

امام باقر علیهالسلام می داند: هنگامی که فاطمه علیهاالسلام می رسد، به پشت سرش می نگرند، ندا می رسد، ای دختر حبیب! اینک دستور داده ام به بهشت بروی ، نگران چه هستی؟

فاطمه علیهاالسلام می دهد: ای پروردگار؛ دوست دارم در چنین روزی با پذیرش شفاعتم مقام و منزلتم معلوم شود. ندا می رسد: ای دختر حبیبم برگرد و در این مردم بنگر و هر که در قلبش دوستی تو یا یکی از فرزندان نهفته است داخل بهشت کن . (۱۲۵)

امام باقر علیهالسلام می داند: در روز قیامت بر پیشانی هر فردی، مؤمن یا کافر نوشته شده است.

پس به یکی از محبان اهل بیت که گناه انش زیاد است دستور داده می شود به جهنم برده شود، در آن هنگام فاطمه علیهاالسلام چشمش را می خواند که نوشته شده است دوست دار اهل بیت، پس به خدا عرضه می دارد: الهی و سیدی ؛ تو مرا فاطمه علیهاالسلام نامیدی و دوستان و فرزندانم را به وسیله من از آتش دور ساختی و وعده تو حق است. ندا می رسد؛ فاطمه علیهاالسلام گفتی؛ من تو را فاطمه نامیدم، و به وسیله تو دوستان و پیروانت و دوستان فرزندان و پیروانشان را از آتش دور گردانیدم.

وعدہ من حق است و ہرگز تخلف نمی کنم . این کہ می بینی بندہ ام را بہ دوزخ می
برند، بدیٰی جہت بود کہ دربارہ اش شفاعت کنی و شفاعتت را ببیدم تا فرشتگان
پیامبران، رسولان و ہمہ مردم از منزلت و مقامت آگاہی یابند.
حال بنگر دست ہر کہ را کہ بر پیشانی اش مؤ من نوشتہ شدہ بگیر و بہ بہشت
ببر(۱۲۶)

شفاعت دوستان فاطمه علیها السلام

از دیگران عظمت و مقام حضرت فاطمه در روز قیامت چنان است که خداوند به خاطر فاطمه علیها السلام آن حضرت نیز مقام شفاعت می دهد.

امام باقر علیها السلام فرمود: جابر؛ به خدا سوگند، فاطمه علیها جا با شفاعت خود در آن روز شیعیان و دوستان را از میان اهل محشر جدا می سازد؛ چنان که کبوتر دانه خوب را از بد جدا می کند. هنگامی که شیعیان فاطمه علیها السلام را به در بهشت می رسند، خداوند در دلشان می افکند که به پشت سر بنگرند.

وقتی که چنین کنند، ندا می رسد: دوستان من اکنون که شفاعت فاطمه علیها السلام شما پذیرفتم، نگران چه هستید؟

آنان عرضه می دارند: پروردگارا؛ ما نیز دوست داریم در چنین روزی مقام و منزلت ما برای دیگران آشکار شود.

ندا می رسد: دوستانم برگردید و هر که را به خاطر دوستی فاطمه علیها السلام دوست داشت و نیز هر که به خاطر محبت فاطمه علیها السلام غذا، لباس، یا آب داده و یا غیبتی را از شما دور گردانیده همراه خود وارد بهشت کنید. (۱۲۷)

به سوی بهشت فاطمه علیها السلام

پس از شفاعت از دوستان و فرزندان و رسیدگی به شکایتش در دادگاه عدل الهی به فرمان خدا، با جلال و شکوه خاصی وارد بهشت می شود.

پیامبر اکرم صلی و سلم فرمود: **رَوَى ابْنُ مَرْزُوقٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْزُوقٍ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ** که لباس های اهدایی خداوند را که با آب حیات آمیخته شده پوشیده، محشور می شود و همه مردم از مشاهده این کرامت تعجب می کنند.

آنگاه لباسی از لباس های بهشت بر وی پوشانده می شود. بر هزار حله بهشتی برای او با خط سبز نوشته شده است: دختر پیامبر را به بهترین شکل ممکن و کامل ترین هیبت و تمام ترین کرامت و بیشترین بهره وارد بهشت سازید.

پس فاطمه علیها السلام **لَهَا** پروردگار در کمال عظمت و شکوه ، در حالی که پیرامونش هفتاد هزار کنیز قرار گرفته، به بهشت می برند. (۱۲۸)

استقبال حوریان بهشتی

رسول خدا به فاطمه علیها السلام هنگامی که به در بهشت می رسی ، دوازده هزار حوریه، که تا کنون به ملاقات کسی نرفته و نخواهند رفت در حالی که مشعل های نورانی به دست دارند و بر شترانی از نور که جهازهایشان از طلای زرد و یاقوت سرخ و مهارهایشان از لؤلؤ و مروارید درخشان است سوارند، به استقبال می شتابند. پس وقتی داخل بهشت شدی، بهشتیان به یکدیگر ورودت را بشارت خواهند داد و برای شیعیان سفره هایی از گوهر، (۱۲۹) که بر پایه هایی از نور بر قرار ساخته اند، آماده می سازند و در حالی که هنوز سایر مردم گرفتار حساب رسی اند، آنان از غذاهای بهشتی می خورند. (۱۳۰)

نورانی شدن بهشت از نور فاطمه

ابن شهر آشوب می نویسد : در بسیاری از کتابها، از جمله کشف ثعلبی و فضایل ابوالسعادات، در معنای این آیه ﴿فِيهَا عَلَى الْأَرْضِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾ (۱۳۲)

و نمی بینند در بهشت نه آفتاب و نه سرمایی را. آورده اند که ابن عباس گفت: چنانکه بهشتیان در بهشت هستند، ناگاه نوری می بینند که باغهای بهشت را نورانی کرد . اهل بهشت اظهار می دارند: خدایا تو در کتابی که بر پیامبرت فرستادی، فرمودی : ﴿لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾، بهشتیان در بهشت خورشیدی نخواهند دید.

ندا می رسد: این نور آفتاب و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه علیهما السلام تعجب کرده خندیدند و از نور آن دو، بهشت روشن گردید. (۱۳۳)

زیارت انبیا از فاطمه علیها السلام

در بهشت آنگاه که همه انبیا و اولیای خدا وارد بهشت شدند، آهنگ دیدار دختر پیامبر می کنند.

رسول خدا به فاطمه علیها السلام هرگاه اولیای خدا در بهشت مستقر گردیدند، از آدم گرفته تا سایر انبیا همه به دیدارت می شتابند. (۱۳۴)

عنايات خداوند به فاطمه عليها السلام

در بهشت پروردگار منان به فاطمه زهرا عليها السلام عناياتی ویژه خواهد داشت. بخشی از آن عنايات چنين است:

۱- خانه های بهشتی

پيامبر خدا صلی و فرمودن **اللهم انزل بها من الجنة ما تشاء** بردند و داخل بهشت شدم، به قصر فاطمه عليها السلام روم آن هفتاد قصر بود که تمام در و دیوار و اتاقهایش از دانه های مروارید سرخ ساخته شده، همه آنها به یک شکل زینت داده شده بود. (۱۳۵)

۲- همنشینی با پیامبر صلی و سلم

پيامبر به علی فرمود: یا علی تو و دخترم فاطمه عليها السلام در قصر من همنشین من هستید. سپس این آیه را تلاوت فرمود: برادران بهشتی روبروی هم می نشینند . (۱۳۶)

۳- درجه وسیله

رسول خدا فرمود : «ان في الجنة درجة تدعى الوسيلة فاذا ساءلتم الله فساءلوا لي الوسيلة.»

قالوا يا رسول الله من يسكن معك فيها؟

قال: «علي عليها السلام، عليهما السلام، عليهما السلام، عليهما السلام.»

در بهشت درجه ای به نام وسیله است. هر گاه خواستید هنگام دعا، چیزی برایم بخواهید، مقام وسیله را از خداوند خواستار شوید.

گفتند: یا رسول الله صلی و سلم کی این درجه مخصوص (با شما همنشین خواهند بود؟

فرمود: علی عليها السلام، عليهما السلام، عليهما السلام، عليهما السلام.

علامه امینی در منقبت ۲۶ می نویسد: از مناقب حضرت زهرا علیها السلام بدان او با پدر و همسر و فرزندان در درجه وسیله است. آن جا پایتخت عظمت حضرت حق ، تبارک و تعالی است و جز پنج تن هیچ یک از انبیا و اولیا و مرسلین و صالحان و فرشتگان مقرب کسی بدان راه نمی یابد. (۱۳۸)

۴- سکونت در حظیرة القدس

سیوطی در مسند می نویسد: «ان فاطمه علیها السلام علیها السلام و الحسین فی حظیرة القدس فی قبة بیضاء سقفها عرش الرحمن؛ فاطمه علیها السلام و الحسین در جایگاهی بهشتی به نام حظیرة القدس در زیر گنبدی سفید به سر می برند، که سقف آن عرش پروردگار است.» (۱۳۹)

همچنین پیامبر صلی و فرمود: در قبة بیضاء عرش الرحمن و علیها السلام و الحسین در آنجا سکونت دارند. (۱۴۰)

نویسنده خصایص فاطمه علیها السلام فصل درباره حظیرة القدس می نویسد:

در بهشت والاترین جایگاه ها حظیرة القدس است. (۱۴۱)

۵- بخشیدن چشمه تسنیم به فاطمه علیها السلام

طبری از همام بن ابی علی چنین نقل می کند: به کعب الحبر گفتم: : نظرت درباره شیعیان علی بن ابی طالب چیست؟

گفت: ای همام من اوصافشان را در کتاب خدا می یابم، اینان پیروان خدا و پیامبرش و یاران دین او و پیروان و لیش شمرده می شوند. اینان بندگان ویژه خدا و برگزیدگان اویند. خدا آنها را برای دینش برگزید و برای بهشت خویش آفرید.

جایگاه شان در فردوس اعلاهی بهشت در خیمه ای که از اتاقهایی از مروارید درخشان دارد زندگی می کنند، آنان از مقربین ابرارند و سرانجام از جام رحیق مختوم می نوشند.

رحیق مختوم چشمه ای است که به آن تنسیم گفته می شود و هیچ کس جز آنها از آن چشمه استفاده نخواهند کرد.

تنسیم چشمه ای است که خداوند آن را به فاطمه علیها السلام^۱ صلی و سلمه^۲ و علی بن ابی طالب علیهما السلام^۳ و از پای ستون خیمه فاطمه جاری می شود . آب آن چشمه چنان گوارا است که به سردی کافور و طعم زنجفیل و عطر مشک شباهت دارد .
(۱۴۲)

فاطمه و نقل حدیث از پیامبر

موقعیت ممتاز حضرت زهرا علیهاالسلام را به حضرتش داد تا معارف اسلامی را بدون واسطه از پدر بزرگوارش فراگیرد، آن معارفی که جز او و فرزندانش کسی دیگر به

کنه و عمق آن نرسید. از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام از پیامبر صلی و سلمه علی

شامل مطالب اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی، تفسیری، از قبیل احترام به همسر، رعایت

حقوق همسایگان و مطالبی دیگر پیرامون فضائل علی علیهالسلام و پیروان آن

حضرت، برخی از پیشگویی ها، برخی از دعاها، موقع استجاب دعا و... رسیده است.

آری واقعا جای تأسف است که امت از این گوهر ناشناخته پس از پیامبر صلی و سلمه علی

استفاده نکرده، به جای آن که از طریق این بانوی با عظمت به مسائل مهم جامعه زنان

دست یافته و دری های زیبا و شیرینی را نسبت به راه و روش زندگی از دو لب مبارکش

بشنوند، به غیر از خون دل دادن به حضرتش کار دیگری نکردند.

فرمود: آری، فاطمه جان. فاطمه علیها السلام بدان ای ابالحسن! خداوند نور مرا خلق کرد در حالی که او را تسبیح می گفت و این نور را به درختی از درختان بهشت سپرد و این درخت بر اثر نور من نورافشانی می کرد تا این که پدرم در وقت معراج، وارد بهشت شد، خداوند همان وقت بر دل پدرم انداخت تا میوه ای از همان درخت بچیند و تناول کند، سپس این نور را به مادرم سپرد که مرا به دنیا آورد و من از همان نور می باشم

(۱۴۳)

اهتمام فاطمه علیها السلام با احادیث پیامبر صلی و سلمی

از برخورد حضرت فاطمه علیها السلام با حفظ و نگهداری احادیث پیامبر صلی و سلمه
چنین بر می آید که وی به احادیث و آثار پیامبر صلی و سلمه نیز اهمیت می داد
تا جایی که برای لحظاتی یکی از همان احادیث را در کنار خود ندید، سخت برآشفته و
از خادمه خود خواست تا هر چه زودتر آن را پیدا نموده و حاضر سازد.
شقیق بن سلمه از ابن مسعود نقل کرده است: مردی به حضور فاطمه علیها السلام
گفت: ای دختر رسول خدا! آیا از پیامبر صلی و سلمی چیزی شنیده‌اید که به من
مرحمت کنید، حضرت به خدمتکار خود فرمود: آن جریده را بیاور. خدمتکار به جست و
جوی پرداخت ولی آن را پیدا نکرد.

حضرت فاطمه علیها السلام ای بر تو، آن جریده نزد من با حسن و حسین برابری
می کند. خدمتکار پس از جست و جوی بسیار آن را در ظرف خاکروبه انداخته است . و
در این جریده چنین نوشته بود:

حضرت محمد صلی و سلمه علیه السلام قال: المؤمنین هم یؤمنون بالله و من کان یؤ
من بالله و الیوم الآخر فلا یؤذی جاره و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیرا او
یسکت. ان الله تعالی یحب الخیر الحلیم المتعفف و یبغض الفاحش العنید البزاء السائل
الملحف. ان الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنة؛ از مؤمنین نیست کسی که همسایه از
آزار وی در امان نباشد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید سخن خوب بگوید
و گرنه ساکت باشد. خدای متعال اهل خیر بردبار عقیف را دوست می دارد و شخص بد
زبان و سست و لجوج را دشمن می دارد. حیا از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت
است و فحش از زشت گفتار و زشت گفتار هم در آتش است.» (۱۴۴)

چرا از فاطمه احادیث کمی بر جای مانده؟

این امر ممکن است چند جهت داشته باشد. یکی این که ایشان نمی توانستند همانند سایر معصومین **عليهم‌السلام** نقل حدیث بپردازند. بدین جهت احادیث نقل شده از ایشان کم می باشد ولی این احتمال به دو جهت صحیح نیست. زیرا اولاً راویان مرد از حضرتش روایت کرده اند و ثانیاً مگر روایت فقط به مردان منحصر بوده و زنان حق روایت نداشته اند.

علت دیگر: همان ظلم آشکاری است که پس از پیامبر صلی و **بیت‌السلام** حضرت **فاطمه** شد، بزرگترین مانع از نشر و گسترش احادیث اهل بیت **علی‌السلام** **فاطمه** زهرا **علیها‌السلام** **تاجا** که آن هایی هم که از او روایتی شنیده بودند، به خاطر ترس و وحشتی که حاکم بود، از نقل آن ها خودداری کرده، در سینه های خود پنهان کردند. ابوهیریه در این رابطه می گوید: تا زمانی که عمر زنده بود، ما جرأت نداشتیم یک حدیث از پیامبر صلی و **بیت‌السلام** **تاجا** نقل کنیم. **بیت‌السلام** **تاجا** و ممکن است چون بسیاری از این احادیث در فضل اهل بیت **عليهم‌السلام** **تاجا** بن ابی طالب **عليهم‌السلام** **تاجا** را شنیده اند اما از روی دشمنی و کینه ای که با اهل بیت و علی **عليهم‌السلام** **تاجا** از بیان آن احادیث خودداری کردند.

راویان حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام

عده نسبتاً زیادی از حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده اند که علاوه بر امیر مؤمنان ، امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام کلثوم افراد زیر به نقل حدیث از حضرتش پرداخته اند:

- ۱- سلمان فارسی ۲- ابوذر غفاری ۳- جابر بن عبدالله انصاری ۴- عبدالله بن مسعود
- ۵- یحیی بن جعد ۶- حکم بن ابی نعیم ۷- عمرو بن الشرید ۸- حذیفه بن الیمان ۹-
- ربیع بن حراش ۱۰- انس بن مالک ۱۱- ابوسعید خدری ۱۲- ابن ابی ملیکه ۱۳- ابو ایوب انصاری ۱۴- ابو هریره ۱۵- بشیر بن زید ۱۶- سهل بن سعد انصاری ۱۷- شیبب بن ابی رافع ۱۸- عباس بن عبدالمطلب ۱۹- عبدالله بن عباس ۲۰- عوانة بن الحکم
- ۲۱- قاسم بن ابی سعید خدری ۲۲- هشام بن محمد ۲۳- زینب دختر ابو رافع ۲۴-
- عایشه ۲۵- ام سلمه ۲۶- اسماء بنت عمیس ۲۷- سلمی رافع و غیر از این ها که می توان به روایات این عده در دلائل الامامه، بشارة المصطفی، امالی شیخ طوسی ، کفایه الاثر، مسند فاطمه علیها السلام کتاب دیگر دست یافت.

گلایه ای از مسند نویسان و سخنی با احمد

با توجه به شمار قابل توجه راویان حدیث از حضرت زهرا علیها السلام را از همه

مسند نویسان به ویژه احمد بن حنبل داریم که چرا نسبت به دختر پیامبر صلی و آله و سلم بی توجهی کرده اند.

اما سخنی که با احمد داریم این است که اگر ما به جلد ششم مسند نگاهی بیفکنیم ، خواهیم دید که وی از عایشه در حدود دویست و پنجاه و سه صفحه حدیث نقل کرده ولی از حضرت فاطمه علیها السلام یک صفحه و نیم که جمعا ده حدیث می شود نقل کرده است که حدیث اول و دوم و هشتم به یک مضمون اشاره شده، منتهی با این تفاوت که یکی را به صورت مجمل و دیگری با تفصیل بیشتری آورده است.

حال این سؤال ما این است آیا عایشه تا موقع رحلت آن حضرت نزد رسول خدا صلی و آله و سلم حضور یافته علیها السلام قول مورخین عامه، حضرت زهرا پنج سال پیش از هجرت پیامبر صلی و آله و سلم و علیها السلام و علیها السلام با رسول خدا صلی و آله و سلم حضور یافته علیها السلام حداقل هجده سال (۱۴۶) حضرت فاطمه علیها السلام پدر بوده است.

سؤال دیگر ما این است که آیا در این هجده سال، سالی یک حدیث هم حضرت فاطمه علیها السلام روایت نکرده که حداقل هجده روایت از دوران مکه و مدینه برای

فاطمه علیها السلام صلی و آله و سلم حضور داشته علیها السلام پیامبر صلی و آله و سلم حساب کنیم، حضور و درک محضر پیامبر اکرم صلی و آله و سلم فاطمه علیها السلام بیشتر از آن باشد یا عایشه؟ با توجه به این که پیامبر صلی و آله و سلم فاطمه علیها السلام مدینه و همراه بوده، حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر روایت داشته باشد یا عایشه؟

آیا ملاقات پیامبر صلی و سلم حضرت فاطمه علیها السلام بوده یا با عایشه که از هر چند شب یک شب نزد او بوده است؟

از نویسنده مسند احمد باید پرسید: مگر پیامبر صلی و سلم در ملاقات با حضرت زهرا علیها السلام مد نداشته؟ آیا به هنگام ملاقات کاملاً سکوت می کرده تا بگوئیم فقط نه یا ده روایت از پدرش نقل کرده است؟ آیا چنین چیزی باور کردنی است.

آیا به هنگام میلاد امام حسن، امام حسین و حضرت زینب کبری، آن حضرت جهت تبریک به خانه زهرا علیها السلام چیزی بفرموده که وی آن ها را ضبط کند. آیا به هنگام رحلت و روزهای بیماری، فاطمه علیها السلام پدر نرفته ۹ و هیچ حدیث و روایتی از او نقل نکرده؟ آیا این ظلم آشکار از یک عالم حدیث شناس بخشودنی است؟

مسند است یا کتاب فضایل؟

اما سخنی که با سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری. ق) داریم این است که وی مسندی برای حضرت فاطمه علیها السلام است که خواننده در ابتدا فکر می کند، وی دویست و هشتاد و چهار حدیث از احادیثی را که حضرت فاطمه علیها السلام، در این کتاب آورده است. اما بعد روشن می شود که چنین خبری نیست، زیرا از نام گذاری خود کتاب مشخص است که مؤلف بین روایاتی که حضرت فاطمه علیها السلام و بین روایاتی که در فضل و مقام حضرت علیها السلام جمع کرده است و نام آن را مسند گذاشته است.

و از دویست و هشتاد و چهار شماره ای که در مقابل احادیث زده شده، فقط سی و چهار حدیث را حضرت فاطمه علیها السلام که دو حدیث از آن ها با دیگری اشتراک در نقل دارد و با این بیان به نظر می رسد اگر نام کتاب احادیث فی فضل فاطمه علیها السلام گذاشت، بهتر بود.

زیرا چیزی که در آن بسیار کم به چشم می خورد، مسند فاطمه علیها السلام ثالثا از سی و چهار حدیث یاد شده، دو روایت سه بار تکرار شده و هفت حدیث دو بار تک رار گشته است که با حذف احادیث مکرر فقط بیست و چهار حدیث باقی می ماند.

و بقیه احادیث نقل شده، جز یک حدیث که از تیغ محقق کتاب جان سالم به در برده، به نظر آقای فواز احمد زمرلی محقق کتاب مسند فاطمة سیوطی، یا ضعیف هستند یا مجهول یا مرفوع یا مرسل و سرانجام برای هر کدام عیبی تراشیده که در نتیجه به نظر ایشان از حضرت فاطمه علیها السلام صحیحی از پدرش نرسیده است. آیا بی انصافی بیش از این قابل تصور است.

گسترش فرهنگ کوثر به وسیله معصومین علیهم‌السلام

اگر چه دشمنان اهل بیت: دست به تلاش وسیع و گسترده ای زدند تا جلوی گسترش فرهنگ کوثر را بگیرند و متأسفانه در برخی زمینه ها نیز موفق گردیدند و در برخی کتاب های حدیثی اثر منفی خود را گذارد اما امامان معصوم: با جدیت تمام تا حدودی توانستند مانع گسترش این کار شوند.

از این رو مشاهده می کنیم که مطالب فراوانی از زبان فاطمه علیها‌السلام هر یک از آن ها به دست ما رسیده است و آن چه را که دشمن در پی از بین بردن یا تضعیف آن ها بود، اهل بیت احیا کردند و مطالب گوناگونی از قبیل مناقب، فضائل، روش زندگی، سیره و سنت و رفتار حضرت فاطمه علیها‌السلام نه ساله اش، برخورد و گفت و گوهای وی با پیامبر صلی‌وسلم‌علیه‌وآله‌وسلم‌علیهم‌السلام، مسائل اخلاقی، اجتماعی، معنوی و ده ها موضوع دیگر را به عنوان میراث اصیل حضرت فاطمه علیها‌السلام به یادگار گذاشتند که در کتاب ها و منابع دست اول شیعه فراوان به چشم می خورد، بدین جهت باید احادیث حضرت فاطمه علیها‌السلام را بگفتنی های امامان معصوم به دست آورده و از اندیشه های والایش بهره برد.

بررسی حوادث هجوم به خانه فاطمه

در این که پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام خانه فاطمه مورد هجوم برخی از خدا بی خبران قرار گرفت جای هیچ گونه شک و تردیدی نمی باشد چرا که به شهادت مورخان شیعه و سنی این کار صورت گرفته و در این راستا به فاطمه زهرا علیهاالسلام بی احترامی و اهانت شد بلکه به تنها یادگار پیامبر آسیب های فراوانی وارد گردید. اینک همراه ما باشید تا به این واقعیت پی ببرید:

پیشگویی پیامبر

درباره فاطمه پیامبر صلی و سلم الله و اولاد و حوائط و ... چند نوبت پیشگویی کرده و تاءثر عمیق خود را پیشاپیش اظهار داشته، چنان چه صدوق به سند خود از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند:

روزی من و فاطمه و حسن و حسین در محضر پیامبر صلی و سلمین که ای یک مرتبه ... نگاهی به ما افکنده گریه اش گرفت. گفتم یا رسول الله صلی و سلم که گریه می کنی؟ فرمود: برای آنچه که پس از من بر شما وارد می شود، گریستم. عرض کردم بر سر ما چه خواهد آمد؟ فرمود: گریه ام برای آن ضربتی است که بر فرق تو خواهند زد و بر آن سیلی که به صورت زهرا می زنند... (۱۴۷)

و در حدیث دیگر نقل شده که پیامبر صلی و سلم نام حاطه را در میان گریه افناد که محاسن شریفش تر شد. علت گریه را از حضرتش پرسیدند. فرمود: گریه ام بر آنست که می بینم اشرار امتم پس از من با اهل بیت من چه بی حرمتی ها می کنند. گویا می بینم که به دخترم فاطمه ظلم شده در حالی که فریاد می زند ای پدر، ای پدر که هیچ یک از امتم به فریاد او نمی رسد... (۱۴۸)

ممکن است برخی ناآگاهان چنین فکر کنند که هرگز چنین بی حرمتی نبوده است ، زیرا فاطمه علیها السلام صحابه عزیز بوده که احدی به خود چنین جرئتی نمی داده تا به ساحت مقدسش اهانتی روا داشته باشد.

در پاسخ می گوئیم که به چند دلیل اهانت صورت گرفته است: اولاً: اگر اهانتی نکرده بودند پس چرا از علی علیها السلام تا ترتیب ملاقات با حضرت زهرا را برای آن ها فراهم کرده تا از فاطمه علیها السلام خواهی کنند. (۱۴۹)

و ثانيا: اگر آزار و اذیت نداده بودند پس چرا ابوبکر در آخر عمر بیمار ی مرگ ،

پیوسته می گفت: «ولیتنی لم افتش بیت فاطمه بنت رسول الله صلی و سلم علیه و آله و سلم و ابوالفضل و ابوسلمه»

کان اغلق علی حرب» (۱۵۰) و یا این که می گفت: فلیتنی ترکت بیت علی و ان کان أعلن

الحرب و خلاصه این دو نقل تاریخی این است که : ای کاش به سراغ خانه علی

علیه السلام علیه السلام و به خانه اش داخل نشده و مردان را وارد نمی کردم گر

چه درب آن خانه را برای جنگ بر وی من بسته بودند.

آیا اگر بی حرمتی نسبت به فاطمه علیها السلام داده بود این گونه آشکارا و بی پرده

اظهار پشیمانی می کرد؟

چرا بی‌خانه فاطمه علیها السلام آوردند؟

این بی‌حرمتی به خانه وحی می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد، اما مهمترین علت و انگیزه‌ای که آن‌ها را وادار به چنین کاری کرد مسئله گرفتن بیعت از علی علیهما السلام است. اگر این کار را نمی‌کردند، بسا در آینده برای خودشان ایجاد مشکل می‌کرد. و این مسئله به روشنی دلالت دارد، اگر نگوئیم هدف آنان به انزوا کشاندن اهل بیت از صحنه سیاست و خلافت اسلامی بود.

به این که نه تنها حق ادعای خلافت و رهبری مسلمین را ندارد بلکه به عنوان یک مسلمان باید با خلیفه مسلمین بیعت کند و شاید این مسئله مهمتر از اصل بیعت کردن بود، زیرا در همان زمان بسیاری از مردم همانند سعد بن عبادة و دیگران بیعت نکردند، اما نه تنها به خانه شان هجوم نشد، بلکه مورد اعتراض هم قرار نگرفتند. این جاست که باید عده‌ای اعرابی و خشونت طلب و بدور از عاطفه و اخلاق اسلامی همانند مغیره بن شعبه را پیدا کرده و از آن‌ها در جهت شکستن حریم اهل بیت استفاده کرد.

آغاز ماجرا

عمر بن ابی المقدم از پدرش از جدش نقل کرده که گفت:
در سقیفه بنی ساعده در طرف راست ابوبکر نشسته بودم و مردم با او بیعت می کردند،
در این جا عمر بن الخطاب به او رو کرد و گفت: در صورتی که علی **عليه السلام** بیعت
نکند، هیچ کاری از پیش نبرده ایم، کسی را به سراغ علی فرستاده و دستور ده تا بیاید و
با تو بیعت کند.

ابوبکر به قنفذ دستور داد تا به خانه علی **عليه السلام** او را برای بیعت فرا خواند.

قنفذ به در خانه علی **عليه السلام** گفت: أعجب خليفة رسول الله صلى وسلم في قريظة
لأسرع ما كذبتهم علي رسول الله صلى وسلم في رسول الله صلى وسلم في قريظة
به ندای خلیفه رسول خدا **صلى وسلم** گوی **عليه السلام**

عليه السلام چه زود بر رسول خدا **صلى وسلم** گفت: پیامبر خدا **صلى وسلم**
خلیفه و جانشینی غیر از من قرار نداده است!

قنفذ برگشته و سخن علی **عليه السلام** ابوبکر گزارش داد.

ابوبکر گفت، به نزد او رفته بگو: ابوبکر تو را خوانده و می گوید: بیا و بیعت کن زیرا
تو فردی از مسلمانان هستی.

علی **عليه السلام** در پاسخ فرمود: پیامبر **صلى وسلم** گفت: **عليه السلام**

منزل خارج نشوم مگر کتاب خدای را جمع بنمایم... (۱۵۱)

علامه طبرسی می نویسد: هنگامی که علی **عليه السلام** اجازه ورود به خانه را نداد،

وی به مسجد برگشته، اظهار داشت: «لم ُؤذن لنا.»

عمر گفت: اگر به شما اجازه داد که چه بهتر و اگر اجازه نداد، بدون اذن و اجازه علی

عليه السلام نه او شوید.

بار دیگر به سوی خانه فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود خواستند، فاطمه علیهاالسلام زد: اجازه نمی‌دهم وارد شوید. در این جا کسانی که همراه قنفذ بودند برگشتند و او هم چنان پشت در خانه فاطمه علیهاالسلام تا آن به نزد عمر آمده و گفتند: فاطمه علیهاالسلام نداد، در این جا عمر به خشم آمده، گفت: ما لنا و للنساء؛ ما را با زنان چه کار است ، سپس به گروهی که در اطرافش بودند دستور داد تا مقداری هیزم همراه خود برداشته و خود نیز مقداری هیزم برداشته و در اطراف منزل فاطمه قرار گرفتند.

و در آن منزل علی علیهالسلام علیهاالسلام تشریف بردند.

این جا بود که عمر فریاد برآورد به گونه ای که علی بشنود و گفت : برای بیعت با خلیفه رسول خدا صلی و بیرون علی علیهالسلام یا خانه علیهالسلام و علیهالسلام تو بسوزانم... (۱۵۲)

و این بار فاطمه سخن گفت

مورخین نوشته اند: وقتی که فاطمه صدای عمر را شنید خود به پشت درب آمده و فرمود: مردمی بدتر از شما سراغ ندارم، جنازه رسول خدا را در نزد ما رها کرده ، خود رفتید و امر خلافت را بین خود تمام کردید، و هیچ حقی را برای ما در نظر نگرفتید، گویا از سخن پیامبر در روز غدیر خبری ندارید.

سوگند به خدا در آن روز پیامبر ولایت را بنیای علی بیان داشت تا امید شما را قطع نموده و دستتان را از خلافت کوتاه کند... (۱۵۳)

سپس با صدای بلند پدر را مخاطب قرار داده، فرمود: یا رسول الله صلی و سلم فاطمة بنت محمد
بعدها من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة ؛ ای رسول خدا صلی و سلم صیبه بنت ابی طالب و ابی طالب
از سوی فرزند خطاب و فرزند ابی قحافه دیدیم. (۱۵۴)

نالہ جان سوز فاطمه علیها السلام شکایت او از برخورد غیر منطقی و نفرت آمیز عده عرب جاهلی و از خدا بی خبر بسیاری از مسلمانان را به شدت متاثر کرده و بنا بر نقل ابن قتیبہ برگشتند، در حالی که به شدت می گریستند (۱۵۵) و برخی دیگر از شدت ترس سکوت کرده زیرا با شکستن سکوت و دفاع از اهل بیت، زیر دست و پای جلادان از بین می رفتند.

بدین جهت جز عده ای که خود را آماده کرده بودند، بقیه به خاطر رعب و وحشت و یا به جهت دیگر علی علیها السلام گذارده و فاصله گرفته بودند.
آری هرگز این ناله ها در دل های سخت تر از سنگ برخی ، کوچکترین اثری نداشته،
و لحظه به لحظه آتش کینه های آنان شعله ور شده و برای دست یابی به علی علیها السلام
های بعدی را به اجرا گذاردند.

تعداد مهاجمین

شاید این سؤال در ذهن بسیاری باشد که آیا در این ماجرای تاءسف بار و غم انگیز فرد به خصوصی شرکت کرده و یا عده ای در این هجوم شرکت داشته اند. پاسخ می دهیم قبلاً گفته شد که ابوبکر در پایان عمر از روی پشیمانی می گفت : ای کاش به خانه فاطمه علیها السلام می کردم و مردان را به داخل خانه فاطمه علیها السلام بیعت گرفتن از علی علیه السلام نداشتادم. و این سخن گویای این مطلب است که مهاجم یک نفر نبوده است.

در این جا تاریخ نگاران برخی به نام چند نفر اشاره کردند و برخی دیگر به حمله دست جمعی اشاره نمودند، مثلاً ابن واضح اخباری می نویسد: فأتوا فی جماعة حتی هجموا الدار؛ پس آنان به همراه جماعتی آمده و به خانه فاطمه علیها السلام آوردند . (۱۵۶)

هم چنین ابن قتیبہ می نویسد: پس عمر از جای برخاسته، به همراه گروهی به خانه فاطمه علیها السلام (۱۵۷) فیض کاشانی هم آورده است که: عمر، گروهی از طلقا و آزاد شدگان و منافقین را به همراه خود به منزل امیرمؤمنان آورد... (۱۵۸) و از گفته های گذشته چنین بر می آید که: این کار به تنهایی صورت نگرفته بلکه عمر به پشتیبانی عده که همراه او بودند دست به چنین کاری زد.

شیخ مفید رحمه الله نام این عده را علاوه بر قنفذ چنین بر شمرده است:

۱- ابوبکر ۲- عمر ۳- عثمان ۴- خالد بن ولید ۵- مغیره بن شعبه ۶- ابو عبید

جراح ۷- سالم مولای ابو حذیفه ۸- عمر بن ابی المقدام. (۱۵۹)

ابو الأسود نام اسید بن خضیر و سلمة بن سلامة بن وقش را در شمار مهاجمین به

خانه فاطمه علیها السلام است. (۱۶۰)

و در نقل دیگری برخی نام ثابت بن قیس و عبدالرحمن بن عوف و محمد بن مسلمة
را به این تعداد افزوده اند. (۱۶۱)

آیا درب خانه فاطمه عليها السلام دند

برخی با انکار مسئله احراق درب خانه فاطمه عليها السلام محو حقایق تاریخی دارند، اما غافل از این که مسئله سوزاندن درب خانه علاوه بر منابع شیعه در کتابهای اهل سنت نیز اشاره شده است.

ابن قتیبه می نویسد: «فدعا بالحطب و قال: و الذی نفس عمر بیده اءتخرجن اءو لاءحرقنها علی من فیها فقیل له یا ابا حفص ان فیها فاطمه عليها السلام ان؛ پس عمر دستور داد تا هیزم بیاورند و گفت: قسم به آن کسی که جان عمر در دست اوست بیرون می آید یا خانه را با آن که در او هست بسوزانم، به او گفتند: ای پدر حفص در این خانه فاطمه عليها السلام گفت: گرچه او هم باشد.» (۱۶۲)

ابن عبد ربه اندلسی با انصاف بیشتری که در این جهت به خرج داده، بردن آتش به در خانه فاطمه عليها السلام کرده و می نویسد: پس عمر با شعله ای از آتش به سوی خانه علی عليه السلام خانه را بر آن ها بسوزاند که فاطمه عليها السلام روبرو گشته و گفت: ای ابن خطاب آمده ای که خانه ما را بسوزانی؟! گفت: آری، یا این که داخل شوید بر آن چه که دیگران داخل شدند (بیعت کنید).

(۱۶۳)

سوزاندن درب خانه

در منابع شیعه و در منابع کهن شیعه به این مسئله به روشنی اشاره شده که به گفته چند نفر از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

۱. علی بن حسین المسعودی می‌نویسد: ... «فَهَجَمُوا عَلَيْهِ دَارَهُ وَ احْرَقُوا بَابَهُ وَ

استخرجوه منه كرها؛ پس آنان به خانه علی حمله برده و درب خانه اش را به آتش کشیده و به زور وی را از خانه بیرون کشیدند.» (۱۶۴)

۲. سلیم بن قیس از امیر مؤمنان ضمن بیاناتی چنین گوید: «فَلْحَرَقَ الْبَابَ ثُمَّ دَفَعَهُ

عمر؛ پس عمر در را سوزاند و با لگد آن را باز کرد.» (۱۶۵)

۳. و دیلمی در ارشاد القلوب، در بخشی از گفتگویی که علی ابن ابی طالب با عمر

چنین آورده است که: گویا می‌بینم دستور داده می‌شود... آن آتشی را که بر در خانه ام

روشن کرده اید تا من و فاطمه علیها السلام و حسین و دو دخترم زینب و ام کلثوم را

بسوزانید، بیاورند و شما دو نفر را بوسیله همان آتش می‌سوزانند... (۱۶۶)

و امام صادق علیه السلام بیاناتی به مفضل بن عمر می‌فرماید: و هیچ روزی همانند

محنت و مصیبت ما در کربلا نمی‌باشد، اگر چه روز سقیفه و آتش روشن کردن بر درب

خانه امیر مؤمنان علیه السلام حسن و امام حسین و فاطمه علیها السلام و ام کلثوم و

فضه و کشتن محسن بوسیله لگد مهم‌تر و سخت‌تر است. (۱۶۷)

و در نقل دیگری حضرت به مفضل بن عمر فرمود: هم چنین زدن سلمان فارسی و

آتش روشن کردن بر درب خانه امیر مؤمنان علیه السلام حسن و امام حسین، تا آنها را

بوسیله آتش بسوزانند و زدن به بازوی فاطمه و تازیانه و لگد زدن به شکم او و اسقاط

محسنش. (۱۶۸)

آیا فاطمه هم آسیب دید؟

و از دیگر مسائل مهمی که در ماجرای شکستن حریم اهل بیت مطرح است ، این که بسیاری می پرسند: آیا واقعا در ماجرای حمله به خانه فاطمه **عليها السلام** پیامبر

صلی و آلیم و سلم رسیده است؟

پاسخ می دهیم بدون شک حضرت زهرا **عليها السلام** ماجرا آسیب های فراوانی دید و در این راستا به چند جای بدن مبارکش آسیب وارد شد:

الف) فشار بین در و دیوار

اولین آسیبی که دختر پیامبر صلی و هلمین ماجرا در حمله فاطمه علیها السلام بود که فاطمه علیها السلام گمان نمی کرد که آنان بدون اجازه به خانه اش وارد شوند، بدین جهت با قرار گرفتن در پشت درب بسته با آنان به گفتگو پرداخت.

فیض کاشانی می نویسد: فاخبت فاطمه علیها السلام باب فدفعها عمر حتی ضغطها بین الباب و الحائط؛ پس فاطمه آمده و پشت درب خانه پنهان گشت، عمر درب خانه را به شدت باز نموده و فاطمه علیها السلام را و دیوار فشار داد. (۱۶۹)

و مسعودی نیز جمله و ضغطوا سيدة النساء بالباب، (۱۷۰) و هم چنین صدوق در ذیل حدیث یا علی علیها السلام فی الجرة آورده است که از برخی از مشایخ و بزرگان که می گفتند: این گنج همان محسن فرزند اوست و این همان سقطی است که به هنگام فشار بین در و دیوار بر فاطمه، بوقوع پیوست. (۱۷۱)

ب) شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام

علامه طبرسی ضمن اشاره به اصل جریان به مسئله شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام اشاره می کند و می نویسد: «و حالت فاطمه علیها السلام بها و بینهم عند باب البيت ... فُرسل أبوبکر الی قنفذ اضربها، فُلجأها الی عضادة بيتها فدفعها فکسر ضلعا من جنبها ؛ (وقتی که خواستند علی را بیرون ببرند) فاطمه علیها السلام را به خانه مانع از بردن شوهر خود شد... ابوبکر کسی را نزد قنفذ فرستاده که فاطمه علیها السلام را دست از علی بردارد این جا بود که قنفذ فاطمه علیها السلام را بتگیره و تیزی درب خانه فشار داده و دنده ای از پهلویش را شکست.» (۱۷۲)

حمله به خانه فاطمه عليها السلام دید. حال برای رسیدگی به این مسئله که آیا فاطمه عليها السلام یا نه و آیا این سقط بدون سبب بوده یا در اثر ضربت، باید به کتابهای شیعه و سنی نظری افکند، تا به عمق این فاجعه و چگونگی مسئله آگاه شویم.

علی رغم این که در بسیاری از کتابهای اهل سنت اشاره به وجود چنین فرزندی نشده است، ابن الصباغ مالکی (۱۷۷) و سبط بن الجوزی (۱۷۸) و محب الدین طبری (۱۷۹) اشاره به پسر سومی به نام محسن دارند، اما می گویند وی در دوران کودکی از دنیا رفته

است!! و برخی دیگر، رحلت این فرزند را در زمان حیات پیامبر صلی و سلم ﷺ دانسته اند.

در اینجا ابن الصباغ مالکی ضمن اشاره به چنین فرزندی از فاطمه سقط شده ، این مسئله را به شیعه نسبت داده و می نویسد: در بین فرزندان علی فرزندی به نام محسن است که برادر حسن و حسین می باشد، شیعیان آورده اند که وی سقط شده است. (۱۸۱) آری اگر چه ابن الصباغ اشاره گذارایی در این جهت دارد، اما دیگر به این نپرداخته که این سقط به چه صورت بوده است. آیا به حال طبیعی بوده و یا در اثر ضربه ای که بر فاطمه وارد آمده سقط گردیده است.

ولی ابن شهر آشوب از معارف ابن قتیبه نقل کرده که: ان محسنا فسد من زخم قنفذ العدوی. (۱۸۲)

گر چه این مطلب فعلا در معارف قتیبی وجود ندارد اما از نقل ابن شهر آشوب می توان با جرئت گفت که نسخه معارف در زمان های بعد دچار حذف شده است.

چند پرسش و پاسخ

و در پایان این بخش به چند پرسش و پاسخ می پردازیم:

سؤال اول: آیا به موقع حمله شخص دیگری در خانه بوده است؟

در پاسخ می گوئیم که ممکن است برخی به طرفداری از مهاجمین بگویند، علت هجوم به خانه فاطمه برای این بوده تا بر آن عده از مهاجرین و انصاری که به نشانه اعتراض به خلافت ابوبکر و حمایت از علی عليه السلام وی تحصن کرده بودند، دست یابند.

آنان می خواستند زبیر و عباس را برای بیعت به مسجد ببرند، بدین جهت به خانه فاطمه حمله کردند.

می گوئیم این سخن نادرست است، و هدف آنان جز اهل بیت فرد دیگری نبوده است. زیرا در آن موقعیت حساس کسی غیر از اهل بیت در خانه نبوده و اگر هم حضور داشته، مورد نظر آنان نبوده است. و بسیاری از مورخین، به نام احدی اشاره نکرده اند. در ثانی چرا به موقع آمدن اظهار نداشتند که ما به دنبال عباس و زبیر و سعد بن عبادة آمده ایم و در صورت دستیابی به این افراد با شما هیچ کاری نداریم در حالی که هرگن به چنین مسئله ای اشاره ننموده اند.

و سوم این که اگر هدف شان آن چند نفر بود، پس چرا علی عليه السلام بیعت به مسجد بردند؟

چهارم: اگر هدف شان آن چند نفر بود، چرا به فاطمه آسیب رساندند؟

و پنجم آن که اگر کسی غیر از علی عليه السلام علیه السفاحه ایشان در خانه بود، چرا به مقابله با مهاجمین نپرداخت و چرا به هنگام دیدن آن صحنه دلخراش به دفاع از صاحب خانه مبادرت نورزید؟ و یا حداقل به دفاع از خود نپرداخت.

دست بردارد. در این هنگام تنی چند از یاران علی عليه السلام شده و مقداد و سلمان و ابوذر و عمار و بریده اسلمی داخل خانه شده، به کمک علی عليه السلام چیزی نمانده بود که یک زد و خورد و خونریزی سختی در خانه علی عليه السلام اما ظاهراً از این که دست به یک حرکت کوبنده علیه مهاجمین نزدند به اشاره امیر مؤمنان بوده است سرانجام امیر مؤمنان را برای بیعت از خانه بیرون برده و مردم به دنبال او راه افتادند .

(۱۹۰)

سؤال سوم: سزای عاملان این جنایت هولناک چیست؟

از دیگر مباحث مهمی که قابل مطالعه و بحث و بررسی است ، این که واقعا اگر دادگاهی برای رسیدگی به این جنایت هولناک تشکیل شود رئیس دادگاه عدل اسلامی چه حکمی خواهد داد؟

آیا کسی چنین حقی دارد که برای بیعت از یک مسلمان درب خانه اش را سوزانده و سپس با شکستن آن به خانه هجوم برده و به همسر برده و به همسر او آزار رسانده و به دست و بازو و پهلویش آسیب رسانده و وی را بین درب و دیوار فشار دهد تا در آستانه مرگ قرار گیرد؟

بگذریم که خانه فاطمه، محل نزول وحی و محل رفت آمد پیامبر و نشست و برخاست و نماز او و محل فرود ملائکه الله بوده که هرگز حرمتش کمتر از مسجد نیست، و هرگز پیامبر بدون اجازه وارد آن نمی گشته و شکستن حرمتش نیز جایز نبوده، چگونه حریم خانه مسلمانی بخاطر امتناع از بیعت شکسته می شود و بدون اجازه به خانه اش حمله شده و به روی زن و فرزندش اسلحه می کشند؟

آیا مرتکب چنین جنایت هوناکی که این بی حرمتی را نسبت به یکی از خانه های

پیامبر صلی و آله و سلمت داده اند، مؤمنان را فریاد فریاد می گویند؟

هم چنین می پرسیم: تعرض به زن غیر محارب که به دستور پیامبر صلی و سلمی در جبهه ممنوع است، آیا هجوم به خانه اش صحیح و جایز است؟

آیا ترساندن زن باردار و زدن به پهلو او از روی عمد تا مرز سقط جنین جرم به حساب نمی آید؟ اگر پیامبر صلی و سلمی در آن وقت امر فرمودند که جنین سقط کنند و این آسیبها را می دیدند سکوت می کردند؟ و اعمالشان را تائید می کردند؟ و آیا خون کسانی که باعث قتل محسن فرزند فاطمه علیها السلام مباح نمی نمود؟

چنان چه خون هبار بن ابی الاءسود را در روز فتح مکه مباح کرد، چرا که زینب دختر رسول خدا صلی و سلمی علیه نیزه ای ترسانند و در اثر آن ترس سقط جنین کرده بود.

ابن ابی الحدید درباره داستان هبار چنین نقل می کند: این خبر را بر استادام ابو جعفر ثقیب قرائت کردم، او گفت: اگر پیامبر صلی و سلمی هبار را بخاطر ترساندن زینب و سقط جنین او حلال شمرد، ظاهر حال چنین است که اگر پیامبر صلی و سلمی بودند خون آن جنین کسی که فاطمه را ترسانده که در اثر آن سقط کرده حلال می شمرد . گوید به استادام : عرض کردم: آیا این سخن را از تو روایت کنم: که گروهی می گویند، فاطمه ترسانده شده و در اثر آن محسن را سقط کرده است؟

او گفت: این مطلب را از من نه روایت کن و نه بطلانش را از من روایت کن؛ زیرا من در این جهت بخاطر تعارض اخبار توقف دارم. (۱۹۱)

دفاع جانانه از حریم ولایت

زندگی هجده ساله تنها یادگار پیامبر بزرگوار اسلام صلی و سلمین است که در زندگی بانوی دیگری هرگز چنین افتخاراتی مشاهده نشده است. فاطمه علیها السلام ممتازی است که در تمام میدان های علمی و اخلاقی و عبادی و اجتماعی و سیاسی جزو پیشتازان بلکه در صدر زنان عالم خلقت بوده است. پنج سال از سن شریف و بزرگوارش نگذشته بود که با فریاد کشیدن علیه مشرکان و کافران مکه به حمایت از پیامبر صلی و سلمین پرداخت. پیوسته از پدر حمایت و دفاع کرد، بویژه در همان سالهایی که حضرت ختمی مرتبت صلی و سلمین را از یاد نمی برد.

او پس از پیامبر صلی و سلمین پیشین و اولاد او و رهبری امیر مؤمنان علیها السلام بود و در مدت کوتاهی که پس از پدر زنده بود، هرگز آرام ننشست و به شیوه های گوناگون پیام مظلومیت علی بن ابی طالب را به آیندگان منتقل کرد و در این راستا آسیب های فراوانی را متحمل شد که از نظرتان گذشت. اینک به گوشه ای از این دفاع مقدس که در چند فراز تنظیم گردیده اشاره ای خواهیم داشت:

۱- نقل روایت درباره جانشینی علی علیه السلام

بسیاری از مسلمانان پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام، به خاطر ترس و وحشتی که از دستگاه حاکم داشتند، حقایق زیادی را کتمان کردند گویا هرگز آنها را از پیامبر شنیده اند.

اما فاطمه علیها السلام به خود اجازه چنین کاری نداد بلکه شجاعانه و به بهانه های مختلف حقایق را پیرامون ولایت و امامت علی بن ابی طالب اظهار کرد و آنچه را که در این خصوص از پیامبر شنیده بود برای مردم بازگو نمود.

او در پاسخ محمود بن لبید که پرسیده بود راز پیامبر صلی و سلمی علیهما السلام در رحلت با آن چه بود؟

فرمود: خدا را گواه می گیرم که شنیدم او پیامبر می فرمود: علی خیر من اخلفه فیکم؛ علی بهترین فردی است که او را پس از خودم در بین شما قرار می دهم و او امام و جانشین من است. و همچنین دو فرزندش و نه فرزند از نسل حسین علیها السلام از آن ها پیروی کنید خواهید دید آن ها هدایت گر و هدایت یافته هستند و اگر با آنان مخالفت کردید تا روز قیامت در بین شما امت اختلاف خواهد بود. (۱۹۲)

۲- یاد آوری ماجرای غدیر خم

مهمترین سند ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام جریان فراموش نشدنی روز غدیر خم بود که رسول خدا، علی را به امر پروردگار در برابر چشمان ده ها هزار نفر به خلافت و جانشینی پس از خود نصب فرمود. فاطمه زهرا علیها السلام شاهد اعلام جانشینی علی از سوی پیامبر بود، روی همین ماجرا اصرار و پافشاری می کرد. محمود بن لبید از جمله کسانی است که سخن فاطمه علیها السلام ملاقاتی با وی در کنار قبر حمزه برای ما نقل کرده است، او می گوید: روزی فاطمه علیها السلام رقبه حمزه سیدالشهدا دیدم که به شدت می گریست، کمی صبر کردم تا آرام گرفت ، از او پرسیدم: ای سیده من! می خواهم از شما چیزی بیورسم که پیوسته فکر مرا به خود مشغول داشته است.

فاطمه علیها السلام پرس.

گفتم: آیا پیامبر صلی و سلم صلی الله علیه و آله در حدیث خود سخنی در مورد جانشینی و امامت علی علیه السلام است؟

فاطمه علیها السلام اعجاباه!!! آنسیتیم یوم غدیر خم؟؛ بسی جای تعجب است! آیا روز غدیر خم را به فراموشی سپرده اید؟

محمود بن لبید گوید: در تاءبید سخن حضرت فاطمه عرض کردم : آری! بیاد دارم و مطلب همان است که شما می فرمایید. (۱۹۳)

۳- گام در گام علی علیه السلام

در مجالس انصار حمایت فاطمه علیه السلام نقل حدیث و روایت درباره شخصیت والای علی علیه السلام کردن بر امامت و جانشینی او خلاصه نمی شد، بلکه آن یکی از شیوه های بود که فاطمه علیها السلام از حریم ولایت در پیش گرفته بود.

شیوه دیگر این که فاطمه علیها السلام خود به مجالس انصار می رفت ، تا شاید آنان را از خواب غفلت بیدار کرده و حق علی علیه السلام نماند.

ابن قتیبه مورخ بزرگ می نویسد: علی فاطمه را سوار بر مرکب می کرد و همراه خود شبانه به مجالس انصار می برد تا به دفاع از حق علی علیه السلام و از آنان یاری بطلبد اما انصار در پاسخ می گفتند: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! هرگز به سراغ شخص دیگری نمی رفتیم.

حضرت علیها السلام می فرمود: آیا سزاوار بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه اش رها می ساختیم و بخاطر این موضوع با مردم به نزاع می پرداختیم؟! (۱۹۴)

۴- فریاد بر حریم شکنان فاطمه علیها السلام

در برابر عده ای حرمت شکن که به حریم خانه اش حمله ور شده بودند تا به خیال خود علی علیه السلام را شمشیر از خانه بیرون کشیده، برای بیعت به مسجد ببرند، آن چنان فریاد زد و از عمق جان ناله کشید که قلب هر بیننده را جریحه دار ساخت. صحنه غریبی بود و منظره عجیبی، علی علیه السلام تنها مانده بود، با یک مدافع آن هم فاطمه. راستی او چه کاری می توانست انجام دهد، خود را از شر آنها حفظ کند، یا فرزندان خردسالش را آرام نماید یا از امام خویش دفاع بنماید؟ و مانع بردنش شود؟ فاطمه که این وضعیت نگران کننده برایش غیر قابل تحمل بود، یک مرتبه فریاد زد و از آن ها خواست تا از خانه بیرون روند و گفت: در غیر این صورت آن ها را نفرین خواهد کرد.

فاطمه علیها السلام: سوگند به خدا، از خانه بیرون می روید یا این که موهای خود را پریشان کرده، به درگاه خدا شکایت کنم و نفرین تان بنمایم؟ (۱۹۵)

۵- دفاع از علی علیه‌السلام

و شلاق قنقد آه و ناله فاطمه بر دل آن مردم حرمت شکن هیچ اثری نکرد، آنان همچنان بر بردن ولی خدا به مسجد اصرار می ورزیدند و فاطمه **علیها‌لسلام** جلوگیری می کرد و می فرمود: به خدا سوگند هرگز نمی گذارم که پسر عمویم را از روی ظلم از خانه بیرون بکشید... چه زود سفارش پیامبر خدا را در باره ما اهل بیت فراموش کردید و از خدا نترسیدید.. در حالی که به شما سفارش کرده بود، از ما پیروی نموده و ما را دوست داشته باشید و به ریسمان ما چنگ بزنید...

فاطمه همچنان از ولی خدا دفاع می کرد و علی را محکم گرفته بود که به وسیله شلاق قنقد او را از علی جدا کردند. (۱۹۶)

۶- حفاظت از جان

امام علی را کشان کشان به سوی مسجد بردند، اما مگر فاطمه دست از حمایت امام خود برداشت؟ او بلافاصله بدنبال ولی خدا به راه افتاد و در پی او تمام زنان بنی هاشم حرکت کردند.

فاطمه آمد و خود را به نزد قبر پیامبر صلی و سلمنخ بر روی کربلای معلی در مظلوم قرار داد و فرمود: عمو زاده ام را آزاد کنید، به خدایی که پدرم را به حق فرستاد، اگر آزادش نکنید، موهای خودم را پریشان می کنم، پیراهن پیامبر را بر سرم می گذارم و به سوئی پروردگارم فریاد می کشم، چرا که نه صالح پیامبر در نزد خدا از پدرم عزیزتر بود و نه شترش عزیزتر از من، و نه بچه اش از فرزندانم. (۱۹۷)

آری این فاطمه بود که دست و صورت و پهلوی خود را سپر امام خویش قرار داد و آن گونه از علی بن ابی طالب علیه السلام که حاضر بود در این راه کشته شود اما به امامش آسیبی نرسد، او به دنبال علی راه افتاد تا نقشه قتل او را خنثی کند، او پیراهن رسول خدا را بر سر گذارد و آماده نفرین کردن بود تا دست از جان ولی خدا بردارند.

۱- رد بیعت ابوبکر

از موارد دیگر حمایت فاطمه عليها السلام این بود تا وقتی که زنده بود، هرگز با خلیفه اول بیعت نکرد و نه تنها بیعت نکرد بلکه با او هم چنان در حال خشم و غضب و قهر بود تا این که از دنیا رفت. حال سؤال ما این است که چرا فاطمه با ابوبکر بیعت نکرد در حالی که روایات زیادی از رسول خدا صلی و آله و سلم نقل شده است و این روایات امام فموتته مودة جاهلیة. (۱۹۹)

آیا فاطمه عليها السلام بوسیله بیعت نکردن با ابوبکر به مرگ جاهلی از دنیا رفته و یا حقیقتاً ابوبکر امام نبوده تا فاطمه به مفاد این روایت ملزم به بیعت با او باشد و یا حدیث قابل استناد نیست؟

در پاسخ می‌گوییم: شکی نیست که فاطمه عليها السلام بیعت نکرد و نه تنها در ملاقاتی که آنان با فاطمه عليها السلام حضرت زهرا عليها السلام روی گردانید، بلکه فرمود: اگر پدرم را ملاقات کنم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد و در پایان همین ملاقات بود که فرمود: به خدا سوگند در هر نماز تو را نفرین می‌کنم. (۲۰۰)

و گویا تر از همه ادله و شواهد این که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر صحاح آمده که زهرای مرضیه از دنیا رفت در حالی که بر ابوبکر خشمناک بود. (۲۰۱)

از جهت دیگر حدیث من مات و لم يعرف امام زمانه آن قدر صحتش روشن است که نیازی به بررسی اسناد ندارد، چرا که این حدیث را شیعه و سنی به اتفاق نقل نموده‌اند و

این حدیث با اسناد فراوان و با تعبیرهای مختلف از پیامبر صلی و آله و سلم نقل شده است و این حدیث در مسند از ابن عمر نقل کرده که: من مات بغير امام مات ميتة جاهلية .

(۲۰۲)

و همچنین به تعبیرهای دیگری از قبیل: من مات و لا طاعة علیه مات میتة .. (۲۰۳)
 من مات و لیس له امام .. (۲۰۴) من مات و لا بیعة علیه ... (۲۰۵) و من مات لیس علیه
 امام فمیتة میتة جاهلیه .. (۲۰۶) در کتاب های اهل سنت فراوان به چشم می خورد.
 و در منابع شیعه نیز مرحوم کلینی قریب به یقین مضمون از فضیل بن یسار از امام
 صادق علیه السلام **صلی و آله و سلم** که فرمود: **من مات و لیس علیه امام فمیتة** ،
 فقلت قال ذلک رسول الله؟ فقال ای و الله قد قال.

قلت: فکل من مات و لیس له امام، فمیتة جاهلیه؟! قال: نعم. هر که بمیرد و پیشوایی
 نداشته باشد، به مردن جاهلیت مرده است، عرض کردم این سخن پیامبر است؟
 فرمود: آری به خدا او فرموده است.

عرض کردم پس هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد مرگ جاهلیت است؟!
 فرمود: آری. (۲۰۷)

و با در نظر گرفتن دو مسئله مسلم فوق: علت عدم بیعت فاطمه با ابوبکر کاملاً روشن
 می گردد که او هرگز امام نبوده، تا فاطمه اقدام به چنین کاری کند.

۹- انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار

و این بار نوبت زنان است که فاطمه علیها السلام از آن ها سخت انتقاد کند، چرا که

آنان نیز در ضایع کردن حقوق اهل بیت و نادیده گرفتن سفارش های پیامبر صلی و آله و سلم
 کوتاهی در حق امیر مؤمنان علیه السلام را بی دریغ داشتند.

آنان با سکوت خود بر کارهای خلاف شوهران خود صحه گذاشتند، و این کار که
 مورد خشم فاطمه علیها السلام بوده، در عیادت که زنان مهاجر و انصار از او داشتند،
 ضمن خطبه ای طولانی به آنان گوشزد کرد.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از عبدالله بن حسن از مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام : زمانی که بیماری فاطمه شدت یافت عده ای از زنان مهاجرین و انصار به نزد وی رفته، گفتند: ای دختر رسول خدا چگونه ای؟

فاطمه علیها‌السلام خدا سوگند شب را به صبح رساندم در حالی که از دنیای شما ناخشنود، و از مردان شما خشمگین و ناراحت هستم. وای بر آن ها چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و از پایه های نبوت و از محل نزول جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا است منحرف کردند و دور ساختند؟! آگاه باشید این همان خسران آشکار است! چه شده که اینان از ابوالحسن انتقام گرفتند و به علت استواری قدم های او بر روی باطل و از بین بردن آن و به خاطر تسلیم ناپذیری اش در راه خدا بود که چنین کردند، به خدا سوگند اگر زمام امری که رسول خدا به علی سپرده بود دست بر می داشتند، آن حضرت مهار شتر رهبری و خلافت را کاملاً در دست می گرفت و به راحتی و آسانی آنان را رهبری می کرد، به طوری که بر شتر خلافت نه جراحی در بینی اش ایجاد می شد و نه اضطراب و ناآرامی بر سوار کارش دست می داد.

آنان را به سرچشمه ای زلال جوشان و وسیع می رساند، تشنگی را برطرف می کرد، در آب غوطه ور شده و شراره تشنگی و گرسنگی را خاموش می نمود... (۲۰۸)

آنچه بیان شد گوشه ای بود از دفاع فاطمه زهرا علیها‌السلام و رهبری علی بن ابی طالب علیه‌السلام در این باره فراوان است و درد دل بسیار که خود به آن ها آگاهترید.

حال سؤال ما این است اگر مولا در فرمایش پیامبر صلی و سلم جلو غلیرو علم بهد معنای دوستی و محبت بود و نه به معنای ولایت و خلافت و سرپرستی امت ، چرا فاطمه

عليها السلام ﷺ غدير استدلال کرده و چرا خود را به این همه در دسر و مشقت انداخته و تا سر حد جان از حریم ولایت دفاع می کند.

مگر ولایت به معنای دوستی آن همه مشکل آفرین بوده است؟ مگر امت اسلامی نمی دانستند که پیامبر صلی و آله و سلم ﷺ را به این دوستی فرا می خوانده؟!

مگر قرآن مجید مردم را به محبت و دوستی اهل بیت پس از نزول آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (۲۰۹) موظف نکرده بود؟

پس چه لزومی داشت که پیامبر صلی و آله و سلم ﷺ اگر سه روز و سه شب در کربلا بیابان سوزان نگه داشته و خطبه بخواند و مردم را برای دوستی اهل بیت فرا بخواند.

وانگهی آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (۲۱۰) چه هدفی را دنبال می کرد و چه چیزی در روز غدیر کامل شد که پیش از این هنوز گفته نشده بود؟ آیا دوستی بود که قبلا آیه اش نازل گردیده بود؟! هم چنین مگر مسلمانان در آن روز به علی علیه السلام گفتند، مگر در آن روز عمر نگفت:

«بخ لك يابن ابي طالب أصبحت مولاي و مولى كل مسلم» (۲۱۱)

و اگر مولا به معنای دوستی و محبت بود، دیگر چه نیازی داشت که عمر بن الخطاب به او تبریک بگوید: خوشا به حال تو ای پسر ابو طالب که امروز مولای من و هر مسلمانی شدی.

آری این تبریک بخاطر سمت جدید علی علیه السلام ﷺ در روز غدیر خم توسط پیامبر صلی و آله و سلم ﷺ و جانشینان حضرت اعلام شده بود. و فاطمه علیها السلام همین موضع جانانه دفاع کرده و بر آن ایستادگی نمود.

شهادت حضرت فاطمه

بدون شک فاطمه عليها السلام خدایی از دنیا نرفته است، چرا که قضایای حمله به خانه او، و وارد آمدن آسیب های فراوان بر دست و پهلو و سینه و جنین، ادامه زندگی را بر او بسیار دشوار کرد.

و در این مدت کوتاه پیوسته از صدمات وارده رنج می برد، و سرانجام در اثر همان آسیب ها به شهادت رسید. اینک جهت اثبات شهادت حضرت زهرا عليها السلام شواهد و دلایل موجود می پردازیم.

ناگفته نماند که از امام حسن عليه السلام و امام صادق و امام رضا عليهم السلام نقل شده که فرمودند: «ما منا الا مسموم أو شهيد» (۲۱۲) و شک نیست که فاطمه عليها السلام می باشند.

افزون بر این که روایات صریح و روشنی بر شهادت حضرت فاطمه داریم که معصومین روی این جهت تکیه کرده اند.

۱- پیامبر پیش از رحلت خود در یک پیشگویی به علی فرمود: پس فاطمه اولین کسی است که به من ملحق خواهد شد، در حالی که حزن و اندوه او را فراگرفته، حق او را غصب کرده و وی را کشته اند بر من وارد خواهد شد. (۲۱۳)

۲- پس از شهادت فاطمه، مدتی امیر مؤمنان از یاران فاصله گرفته و از خانه بیرون نرفت. برخی از یاران و دوستان علی عليه السلام وضعیت برای آن ها گران آمده بود از عمار یاسر خواستند تا به خانه علی رفته و از او بخواهد تا از دوستان فاصله نگیرد. عمار برای رساندن پیام، به خانه حضرت علی رفته و از وی خواست تا از خانه بیرون بیاید.

حضرت در پاسخ فرمود: بدان ای عمار! این فقید و از دست رفته، دختر رسول خدا دار فانی را وداع گفت در حالی که مظلوم بود و حق او غصب شده و شهید از دنیا رفت . سپس از جای برخاسته در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود خانه را ترک گفت ... (۲۱۴)

۳- سلیم بن قیس از علی نقل کرده وقتی که ابوبکر به قنفذ پیام فرستاد که اگر فاطمه مانع شد او را بزن پس او را برای آن که دست از علی بردارد به طرف دسته درب خانه اش فشار داده و یک دنده از پهلویش را شکست و جنین او را سقط کرد، و پس از آن ماجرا در بستر بیماری بود تا این که در اثر همان صدمات، شهید از دنیا رفت. (۲۱۵)

۴- امام حسین علیه السلام بن عمار بن یاسر از پدرش عمار حدیثی نقل کرده و در پایان همان حدیث ، عمار ضمن باز گو کردن ماجرای پس از رحلت پیامبر صلی و سلم به غلام فاطمه علی گوید: وقتی که پیامبر به لقاء الله شتافت ، و گذشت آنچه که گذشت به ه نگام ورود به خانه فاطمه و بیرون آوردن پسر عموی او، از دست آن مرد به فاطمه آنچنان آسیب رسید که فرزند خود را سقط کرد و همان جریان باعث بیماری و وفات وی بود. (۲۱۶)

۵- همچنین از امام صادق علیه السلام که فرمود: علت وفات فاطمه علیها السلام

که قنفذ غلام عمر به دستور وی با غلاف شمشیر به دختر پیامبر صلی و سلم کوفت

همان زدن محسن سقط گردید و در پی این سقط جنین سخت بیمار گشت... (۲۱۷)

۶- علی بن جعفر از برادر خود امام موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود : ان

فاطمه علیها السلام شهیده. (۲۱۸)

و بزرگان ما همانند شیخ مفید و دیگران بر این عقیده هستند که وی شهید از دار دنیا

رفته است. وی در کتاب فقهی خود به نام المقنعة در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

آورده است: هرگاه به مدینه رفتی... به روضه داخل شو و آن جا بایست و فاطمه

عليها السلام ﷺ كن كه او همان جا دفن گردیده ، پس هرگاه خواستی او را زیارت کنی به
سوی قبله بایست و بگو...:

«السلام عليك يا رسول الله صلى و للسلام عليك و على بنتك الصليفة الطاهرة ،
السلام عليك يا فاطمه عليها السلام ﷺ صلى و للسلام عليك ايها الابن الشهيبة
الطاهرة، لعن الله من ظلمك و منعك حقك و دفعك عن ارتك و لعن الله من كذبك
(۲۱۹)

و علامه مجلسی در مرآة العقول ذیل روایت کلینی در کافی از حضرت موسی بن
جعفر علیها السلام ﷺ: ان فاطمه صديقة شهيدة می فرماید : و این خبر دلالت دارد که
فاطمه علیها السلام ﷺ است و این مسئله از متواترات است... (۲۲۰)

سال و روز شهادت

و اما سال روز رحلت جانگداز فاطمه علیها السلام در بین مورخین اختلاف نظر هست به گونه ای که برخی اقوال را به هجده نظر رسانده اند. (۲۲۱)
اما مختار از بین این گفته ها فقط دو قول است و نظر بزرگان نیز بر همین دو گفته استوار است.

قول اول هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی و سلم نقل کرده اند و این قول را روایتی است که به نظر علامه مجلسی صحیح است از امام محمد باقر نقل شده ؛ فرمود :
وی هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر صلی و سلم (۲۲۲)

قول دوم نود و پنج روز است، چنان چه مرحوم اربلی از امام محمد باقر علیها السلام نقل کرده (۲۲۳) و ابو الفرج اصفهانی نیز از امام محمد باقر علیها السلام سه ماه را از رحلت پیامبر صلی و سلم (۲۲۴) نقل کرده و این قول را امام باقر صلی و سلم نقل کرده است.

در این جا علامه مجلسی ضمن صحیح خواندن روایت هفتاد و پنج روز فرموده :
تطبیق دادن بین ولادت و وفات و عمر شریف فاطمه علیها السلام دشواری است؛ زیرا
اگر رحلت پیامبر اسلام صلی و سلم در روز بیست و نهم از ماه جمادی الاول در اواسط

جمادی الأولى باشد و اگر به گفته اهل تسنن در دوازدهم ربیع الأول پیامبر صلی و سلم متولد شده باشد، می بایست وفات آن حضرت و در اواخر جمادی الأولى صورت پذیرفته باشد و آن چه که ابو الفرج اصفهانی نقل کرده که فاطمه علیها السلام پس از پدرش زنده ماند؛ ممکن است با قول مشهور که حضرت در سوم جمادی الثانی از دنیا رفته است ، منطبق شود، و خبر ابو بصیر از امام صادق بر همین قول است ، البته اگر بگوییم که روزهای زیادی را امام بخاطر ناچیز بودنش ذکر نفرموده است. (۲۲۵)

و شیخ مفید در تئبید نظر دوم می فرماید روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجرت سال روز رحلت حضرت فاطمه علیهاالصلوات باشد و این همان روزی است که در همه سال غم و اندوه مؤمنین تجدید می شود. (۲۲۶)

این بود خلاصه ای از زندگی پاره تن مصطفی و همسر علی مرتضی که به طور اشاره و گذرا تقدیم خوانندگان شد؛ امید است خوانندگان عزیز ما را از کم و کاستی ها و یا ناهماهنگی های موجود در این چکیده عفو فرموده و اگر بر نکته ای دست یافتند، ما را بهر مند سازند.

والله الموفق و المعین پایان کتاب

پی نوشت ها

- ۱- الخرایج و الجرایج، ج ۲، ص ۵۲۴.
- ۲- همان
- ۳- مسار الشیعه، ص ۳۱
- ۴- صحیح بخاری ج ۲، ص ۳۰۲، حلیة الاءولیاء، ج ۲، ص ۴۰، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۶۹.
- ۵- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۸۰.
- ۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۸۰.
- ۷- روضة الواعظین، ص ۱۵۰.
- ۸- مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۵۹.
- ۹- بحار الاءنور، ج ۱۵، ص ۱۰.
- ۱۰- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹.
- ۱۱- بشارة المصطفی، ص ۲۴.
- ۱۲- احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۱۵.
- ۱۳- همان، ج ۲۵، ص ۳۷.
- ۱۴- مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۶۰.
- ۱۵- فاطمة الزهراء، ص ۵۸.
- ۱۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۳.
- ۱۷- همان، ص ۶۸، ذخایر العقبی، ص ۳۵.
- ۱۸- مناقب آل اءبی طالب، ج ۳، ص ۳۴۵.
- ۱۹- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۰.
- ۲۰- همان، ص ۱۰۸.
- ۲۱- مناقب خوارزمی، ص ۲۴۷، كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۶۵.
- ۲۲- امالی طوسی، ص ۳۹.
- ۲۳- تاریخ الاءئمة، ص ۶.
- ۲۴- مناقب آل اءبی طالب، ج ۳، ص ۳۶۵.
- ۲۵- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۵ به نقل از کافی.

- ۲۶- همان، ج ۴۳، ص ۹۲.
- ۲۷- همان، ص ۱۰۵.
- ۲۸- كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۷۹.
- ۲۹- هجر یکی از روستاهای اطراف شهر مدینه است. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۳).
- ۳۰- كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۹۷.
- ۳۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۸.
- ۳۲- به این علت زره حطمیه گفته می شود چون هر شمشیری که با آن برخورد می کرد شکسته می شد و این زره به طائفه ای از عبدالقیس که به آنان حطمة به حارت گفته می شد و شغل آنها درست کردن زره بود نسبت داده شده است. (مجمع البحرین، ص ۴۶۷)
- ۳۳- کافی، ج ۵، ص ۳۷۷.
- ۳۴- همان.
- ۳۵- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲، مناقب ابن مغزلی، ص ۳۵۰.
- ۳۶- همان.
- ۳۷- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲.
- ۳۸- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۴۲.
- ۳۹- المقنع، ص ۹۹.
- ۴۰- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۳.
- ۴۱- كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۷۹.
- ۴۲- امالی طوسی، ص ۴۰، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۲.
- ۴۳- زندگانی حضرت فاطمه، ص ۵۶.
- ۴۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۳.
- ۴۵- امالی طوسی، ص ۴۰.
- ۴۶- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.
- ۴۷- امالی طوسی، ص ۴۰، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۵.
- ۴۸- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴.
- ۴۹- امالی طوسی، ص ۴۲.
- ۵۰- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۳.
- ۵۱- دلائل الامامه، ص ۲۱.

- ۵۲- در این که روز عروسی فاطمه **علیهاالسلام** بوده است چهار قول است : ۱ چند روز از شوال گذشته. ۲ اول ماه ذیحجه. ۳ ششم ماه ذیحجه. ۴ ۲۱ ماه محرم سال هجرت. رجوع شود به بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲ و ۹۷ و ۱۴۱.
- ۵۳- کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۸.
- ۵۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۵.
- ۵۵- اخلاق حضرت فاطمه، ص ۸۰.
- ۵۶- بحارالانوار ج ۴۳، ص ۱۳۲.
- ۵۷- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۵.
- ۵۸- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۲.
- ۵۹- مدینه شناسی، ص ۷۳.
- ۶۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ۶۱- الرحلة الحجازية، ص ۳۲۷.
- ۶۲- مناقب خوارزمی، ص ۲۴۷.
- ۶۳- مدینه شناسی، ص ۱۱۹ و فرات کوفی، ص ۱۱۵.
- ۶۴- سوره نور، آیه ۳۶.
- ۶۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۴ و مجمع البحرين، ص ۱۳۸.
- ۶۶- غذای است که با آزد و شیر یا روغن می پزند. فرهنگ جدید، ص ۹۱.
- ۶۷- بشارة المصطفی، ص ۱۹۵؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۷، ص ۱۲۳ و کامل الزیارة، ص ۵۸.
- ۶۸- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ۶۹- همان.
- ۷۰- سند حدیث شریف کساء، ص ۶.
- ۷۱- سوره طه، آیه ۱۳۲.
- ۷۲- امالی طوسی، ص ۲۵۱.
- ۷۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۳۴.
- ۷۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.
- ۷۵- ینابیع المودة، ص ۱۷۴ و مناقب خوارزمی، ص ۲۳.
- ۷۶- امالی طوسی، ص ۲۵۱.
- ۷۷- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

- ٧٨- يبايع المودة، ص ١٧٤.
- ٧٩- همان.
- ٨٠- ذخاير العقبي، ص ٧٧.
- ٨١- مدينه شناسي، ص ١١٧.
- ٨٢- سفينة البحار، ج ٢، ص ٣٧٥.
- ٨٣- همان، ص ٥٤.
- ٨٤- العقدالفريد، ج ٥، ص ١٣ و الامامة و السياسة، ص ٢٠.
- ٨٥- اثبات الوصية، ص ١٢٤.
- ٨٦- تفسيرعياشي، ج ٢، ص ٦٧.
- ٨٧- اثبات الوصية، ص ١٢٤.
- ٨٨- بحارالانوار، ج ٥٣، ص ١٤.
- ٨٩- ربيع الاءبرار، ج ٢، ص ١٠٤.
- ٩٠- مناقب آل ابي طالب، ج ٣، ص ٣٣٨.
- ٩١- امالي صدوق، ص ٤٣٧.
- ٩٢- بحارالاءنوار، ج ٤٣، ص ١٧٢.
- ٩٣- سوره حجر، آيه ٤٤.
- ٩٤- بحارالاءنوار، ج ٤٣، ص ٨٨.
- ٩٥- مناقب آل ابي طالب، ج ٤، ص ٨.
- ٩٦- پاخلاق حضرت فاطمه، ص ١٧.
- ٩٧- مناقب آل ابي طالب، ج ٣، ص ٣٣٨.
- ٩٨- علل الشرايع، ص ٢١٥.
- ٩٩- بحارالاءنوار، ج ٤٣، ص ٩٣.
- ١٠٠- اخلاق فاطمه، ص ٦٢.
- ١٠١- احقاق الحق، ج ١٠، ص ٤٠٠.
- ١٠٢- همان.
- ١٠٣- سفينة البحار، ج ١، ص ٥٧١.
- ١٠٤- اخلاق فاطمه، ص ١٠٦، بحار الاءنوار، ج ٢، ص ٣.
- ١٠٥- الخرايج و الجرايح، ج ٢، ص ٥٣٠.

- ۱۰۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۸۱.
- ۱۰۷- اخلاق فاطمه، ص ۳۶، ذخائر العقبی، ص ۵۰.
- ۱۰۸- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹.
- ۱۰۹- همان.
- ۱۱۰- همان.
- ۱۱۱- همان، ص ۲۱۳.
- ۱۱۲- اخلاق حضرت فاطمه، ص ۱۰۹.
- ۱۱۳- كشف الغمة، ج ۲، ص ۹۲.
- ۱۱۴- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۹۱ به نقل از نوادر راوندی.
- ۱۱۵- این مقاله در آستانه شهادت فاطمه زهرا **علیها السلام** کورث شماره ۳۰ به چاپ رسیده است.
- ۱۱۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.
- ۱۱۷- فاطمة الزهراء، ص ۷۴، امالی صدوق، ص ۱۶.
- ۱۱۸- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۵.
- ۱۱۹- امالی صدوق، ص ۱۶.
- ۱۲۰- مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۳.
- ۱۲۱- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۰.
- ۱۲۲- همان، ص ۲۲۱.
- ۱۲۳- همان.
- ۱۲۴- همان، ص ۲۲۲.
- ۱۲۵- تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۴.
- ۱۲۶- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۱۵.
- ۱۲۷- تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۴.
- ۱۲۸- ذخائر العقبی، ص ۴۸.
- ۱۲۹- کنایه از غذاهایی بسیار خوب است.
- ۱۳۰- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.
- ۱۳۱- القطرة، ص ۱۹۲، و آیه در سوره مبارکه فاطر، آیه ۳۴.
- ۱۳۲- سوره انسان، آیه ۱۳.
- ۱۳۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۹.

- ۱۳۴- بحار الاءنوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.
- ۱۳۵- همان، ص ۷۶.
- ۱۳۶- فاطمة الزهراء، ص ۹۹.
- ۱۳۷- همان.
- ۱۳۸- همان، ص ۱۱۳.
- ۱۳۹- مسند فاطمة، ص ۴۵، كفاية الطالب، ص ۳۱۱، بشارة المصطفى، ص ۴۸.
- ۱۴۰- فاطمة الزهراء، ص ۱۰۰.
- ۱۴۱- خصائص فاطمه، ص ۳۴۱.
- ۱۴۲- بشارة المصطفى، ص ۵۰.
- ۱۴۳- عيدن المعجزات، ص ۵۴ و بحار، ج ۴۳، ص ۸.
- ۱۴۴- اخلاق حضرت فاطمه، ص ۵۸؛ مسند فاطمه زهرا **عليها السلام** سفينة البحار، ج ۱، ص ۲۲۹ و دلائل الامامة، ص ۱.
- ۱۴۵- الغدير، ج ۶، ص ۲۹۵.
- ۱۴۶- بنا به قول كلبى كه فاطمه عليها السلام در سن سى و پنج سالگى از دنيا رفته، بايد گفت: حدود بيست و پنج سال در مكه در خدمت پدر بوده است. ذخائرالعقبى، ص ۵۲.
- ۱۴۷- امالى صدوق، ص ۱۱۸، مناقب آل ابى طالب، ج ۲، ص ۲۰۹.
- ۱۴۸- نوادرالاءخبار، ص ۱۶۲، بشارة المصطفى، ص ۱۹۸.
- ۱۴۹- الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۲۰، الدرالتمين، ص ۵۱.
- ۱۵۰- تاريخ يعقوبى، ج ۲، ص ۱۳۷.
- ۱۵۱- اختصاص مفيد، ص ۱۸۸.
- ۱۵۲- احتجاج طبرسى، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۱۵۳- احتجاج، ج ۱، ص ۱۰۵.
- ۱۵۴- الاءمامة والسياسة، ص ۱۹.
- ۱۵۵- همان، ص ۲۰.
- ۱۵۶- تاريخ يعقوبى، ج ۲، ص ۱۲۶.
- ۱۵۷- الامامة والسياسة، ص ۲۰.
- ۱۵۸- نوادرالاءخبار، ص ۱۸۳.
- ۱۵۹- اختصاص مفيد، ص ۱۸۱.

- ١٦٠- بحارالانوار، ج ٨، ص ٥٩.
- ١٦١- همان.
- ١٦٢- الامامة والسياسة، ص ١٩.
- ١٦٣- عقدالفريد، ج ٥، ص ١٣.
- ١٦٤- اثبات الوصية، ص ١٢٤.
- ١٦٥- سليم بن قيس، ج ٢، ص ٢٥، بحارالانوار، ج ٤٣، ص ١٩٧.
- ١٦٦- ارشادالقلوب، ج ٢، ص ٧٨، الكوكب الدرى، ص ١٩١.
- ١٦٧- بهجة قلب المصطفى، ص ٥٣٢.
- ١٦٨- بحار، ج ٥٣، ص ١٤.
- ١٦٩- نوادرالانوار، ص ١٨٣.
- ١٧٠- اثبات الوصية، ص ١٢٤.
- ١٧١- معانى الانوار، ص ٢٠٦.
- ١٧٢- احتجاج طبرسى، ج ١، ص ١٠٨، سليم بن قيس، ص ٤٠.
- ١٧٣- امالى طوسى، ص ١١٨ و مناقب آل ابى طالب، ج ٢، ص ٢٠٩.
- ١٧٤- بحارالانوار، ج ٥٣، ص ١٤.
- ١٧٥- همان، ج ٨، ص ٥٨ و حق اليقين، ص ١٦٤.
- ١٧٦- احتجاج، ج ١، ص ١٠٨.
- ١٧٧- الفصول المهمة، ص ١٢٤.
- ١٧٨- تذكرة الخواص، ص ٥٧ و ٢٨٨.
- ١٧٩- ذخائرالعقبى، ص ١٥٥.
- ١٨٠- نيل الانوار، ج ٤، ص ١٥١، فتح البارى، ج ٣، ص ١٢٤.
- ١٨١- الفصول المهمة، ص ١٢٤.
- ١٨٢- مناقب آل ابى طالب، ج ٣، ص ١٣٣.
- ١٨٣- احتجاج، ج ١، ص ١٠٨.
- ١٨٤- بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٨٣.
- ١٨٥- الصراط المستقيم، ج ٣، ص ١٢.
- ١٨٦- الملل والنحل، ص ٥٩ و الوافى بالوفيات، ج ٦، ص ١٧.
- ١٨٧- همان.

- ١٨٨- الملل و النحل، ص ٥٩.
- ١٨٩- اسرار آل محمد، ص ٣٣.
- ١٩٠- بحار الاءنوار، ج ٨ (چاپ سنگی)، ص ٥٦.
- ١٩١- شرح نهج البلاغه، ج ١٤، ص ١٩٢ و بحار الاءنوار، ج ٢٣، ص ٤١.
- ١٩٢- كفاية الاءثر، ص ١٩٨.
- ١٩٣- همان.
- ١٩٤- الاءمامة و السياسة، ج ١، ص ١٩.
- ١٩٥- بشارة المصطفى، ص ١٩٨.
- ١٩٦- نوادر الاءخبار، ص ١٨٣.
- ١٩٧- احتجاج طبرسى، ج ١، ص ١١٣.
- ١٩٨- اختصاص مفيد، ١٨١.
- ١٩٩- بحار الاءنوار، ج ٢٣، ص ٤١، المعجم الكبير، ج ١٠، ص ٣٥٠، كشف الاءستار، ج ٢، ص ٢٥٢.
- ٢٠٠- الاءمامة و السياسة، ص ٢٠.
- ٢٠١- صحيح مسلم، ج ٢، ص ٤٣، صحيح بخارى، ج ٣، ص ٥٥، تاريخ طبرى، ج ٢، ص ٢٣٦، شرح نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٨.
- ٢٠٢- مسند طيالسى، ص ١٢٥٩.
- ٢٠٣- تاريخ بخارى، ج ٦، ص ٤٤٥، مسند ابن ابى شيبه، ج ١٥، ص ٣٨.
- ٢٠٤- صحيح ابن حبان، ج ٧، ص ٤٩، مسند اءحمد، ج ٣، ص ٤٤٦ مجمع الزوائد، ج ٥، ص ٢٢٣، مسند زيد، ص ٤٢٢.
- ٢٠٥- طبقات ابن سعد، ج ٥، ص ١٤٤.
- ٢٠٦- المعجم الكبير، ج ١٠، ص ٣٥٠، كشف الاءستار، ج ٢، ص ٢٥٢.
- ٢٠٧- الكافى، ج ١، ص ٣٧٦، محاسن برقى، ج ١، ص ١٥٣، تفسير عياشى، ج ١، ص ٢٥٢.
- ٢٠٨- شرح نهج البلاغه، ج ١٦، ص ٢٣٣، فرياد فاطمه، ص ٤٣.
- ٢٠٩- سوره شورى، آيه ٢٣.
- ٢١٠- سوره مائده، آيه ٣.
- ٢١١- آيات الغدير، ص ٢٦٢ به نقل از تاريخ بغداد، ج ٨، ص ٢٩٠.
- ٢١٢- حياة الاءمام الحسن العسكرى، ص ٤٢٥.
- ٢١٣- بحار الاءنوار، ج ٤٣، ص ١٧٣، بشارة المصطفى، ص ١٩٩، اءمالى الصدوق، ص ١٠١.

- ٢١٤- الكوكب الدرى، ص ٢٥٠.
- ٢١٥- احتجاج طبرسى، ج ١، ص ١٠٨.
- ٢١٦- دلائل الامامة، ص ٢٦.
- ٢١٧- همان، ص ٤٥.
- ٢١٨- الكافى، ج ١، ص ٤٥٨.
- ٢١٩- المقنعة، ص ٧١.
- ٢٢٠- مرآة العقول، ج ٥، ص ٣١٨.
- ٢٢١- رجوع شود به وفات الصديقة الزهراء، ص ١١٤.
- ٢٢٢- بحار الاءنوار، ج ٤٣، ص ١٥.
- ٢٢٣- كشف الغمة، ج، ص، بحار الاءنوار، ج ٤٣، ص ١٨٩.
- ٢٢٤- مقاتل الطالبين، ص ٣١، فتح البارى، ج ٧، ص ٣٩٧، تهذيب التهذيب، ج ١٢، ص ٤٦٩.
- ٢٢٥- بحار الاءنوار، ج ٤٣، ص ٢١٥.
- ٢٢٦- مسار الشيعية، ص ٦٦، مصباح كفعمى، ص ٥١١.

فهرست مطالب

۳	پیشگفتار.....
۵	میلاذ نور.....
۸	شخصیت فاطمه از دیدگاه پیامبر.....
۸	۱- فاطمه علیهاالسلام پیامبر.....
۸	۲- فاطمه علیهاالسلام پیامبر.....
۸	۳- فاطمه علیهاالسلام پیامبر.....
۹	۴- فاطمه نور چشم پیامبر.....
۹	۵- فاطمه علیهاالسلام نور پیامبر.....
۹	۶- فاطمه برتر از آسمانها و زمین.....
۹	۷- فاطمه برگزیده خداوند.....
۱۰	۸- فاطمه یکی از حجت های خدا.....
۱۰	۹- فاطمه بهترین زنان امت.....
۱۰	۱۰- برترین زنان اولین و آخرین.....
۱۰	۱۱- اگر تمام خوبی ها مجسم شود.....
۱۰	۱۲- فاطمه مریم کبری است.....
۱۱	۱۳- عزیزترین مردم نزد پیامبر.....
۱۱	۱۴- محبوب ترین مردم.....
۱۳	فاطمه و ازدواج با علی.....
۱۴	تلاش یاران و خواستگاری علی علیهاالسلام.....
۱۵	خواستگاری علی علیهاالسلام.....
۱۷	چرا پیامبر صلی و سلمه را با علی.....
۱۹	تعیین مهریه.....
۲۰	مقدار مهریه فاطمه علیهاالسلام.....

۲۱	توضیح و بررسی
۲۳	تأمین و تهیه جهیزیه
۲۴	صورت جهیزیه فاطمه علیها السلام
۲۵	مراسم ازدواج
۲۷	آراستن فاطمه علیها السلام
۲۸	ولیمه عروسی علی و فاطمه علیها السلام
۲۹	از خانه پیامبر صلی و تلذذ علی علیها السلام
۳۱	دست فاطمه علیها السلام علی علیها السلام
۳۲	دعای ویژه برای فاطمه علیها السلام
۳۳	چشم اندازی به خانه فاطمه
۳۴	ویژگی های خانه فاطمه علیها السلام
۳۴	۱- موقعیت جغرافیایی این خانه
۳۴	۲- مساحت خانه فاطمه علیها السلام
۳۴	۳- هدایی خدا و رسول پیامبر بزرگوار صلی و سلمین
۳۵	۴- راهی به بیرون جز از مسجد نداشت
۳۵	۵- خانه رفیع و پر نور
۳۶	۶- محل نماز و عبادت پیامبر صلی و سلمین
۳۷	۷- زادگاه امام حسن و امام حسین علیهما السلام
۳۷	۸- محل رفت و آمد فرشتگان
۳۸	۹- سلام پیامبر صلی و سلمین
۳۹	۱۰- بسته شدن در خانه ها جز خانه فاطمه علیها السلام
۳۹	۱۱- احترام ویژه امامان
۴۱	نگاهی دیگر
۴۲	سرنوشت خانه فاطمه علیها السلام
۴۴	فاطمه اسوه حیات زیبا

- ۴۴ ۱- تهجد و عبادت
- ۴۶ ۲- ترس از روز قیامت
- ۴۷ ۳- انس با قرآن کریم
- ۴۸ ۴- دعا برای دیگران
- ۴۸ ۵- احترام فوق العاده به پیامبر صلی و سلمه
- ۴۹ ۶- سبقت در اسلام
- ۴۹ ۷- تحمل سختی های زندگی
- ۵۱ ۸- پاسخ به پرسش های مذهبی
- ۵۲ ۹- التزام به تعهدهای اخلاقی
- ۵۴ ۱۰- خوشحالی از کم شدن بار مسئولیت
- ۵۴ ۱۱- خدمت بی منت
- ۵۶ فاطمه الگوی حیا و عفاف
- ۵۷ فاطمه علیها السلام **حب و حیا**
- ۵۸ گفتگوی فاطمه علیها السلام است از اسماء
- ۵۹ نمونه ای دیگر از حیای فاطمه
- ۶۰ فاطمه علیها السلام **حجاب و حیا**
- ۶۲ درسی دیگر از فاطمه علیها السلام
- ۶۳ سیمای فاطمه در روز قیامت
- ۶۴ کیفیت برانگیخته شدن
- ۶۶ حضور فاطمه علیها السلام **مردم**
- ۶۷ منبری از نور برای فاطمه علیها السلام
- ۶۸ شکایت در دادگاه عدل الهی
- ۶۹ دیدار حسن و حسین
- ۷۰ شفاعت برای دوستان اهل بیت
- ۷۲ شفاعت دوستان فاطمه علیها السلام

- تعداد مهاجمین ۹۸
- آیا درب خانه فاطمه علیها السلام تاند ۱۰۰
- سوزاندن درب خانه ۱۰۱
- آیا فاطمه هم آسیب دید؟ ۱۰۲
- الف) فشار بین در و دیوار ۱۰۳
- ب) شکسته شدن پهلوی فاطمه علیها السلام ۱۰۳
- ج) سیلی خوردن فاطمه علیها السلام ۱۰۴
- د) آسیب دیدن بازوی فاطمه علیها السلام ۱۰۴
- ه) سقط جنین ۱۰۴
- بررسی جریان سقط ۱۰۶
- چند پرسش و پاسخ ۱۰۸
- دفاع جانانه از حریم ولایت ۱۱۲
- ۱- نقل روایت درباره جانشینی علی علیها السلام ۱۱۳
- ۲- یاد آوری ماجرای غدیر خم ۱۱۴
- ۳- گام در گام علی علیها السلام ۱۱۵
- ۴- فریاد بر حریم شکنان فاطمه علیها السلام ۱۱۶
- ۵- دفاع از علی علیها السلام ۱۱۷
- ۶- حفاظت از جان ۱۱۸
- ۷- سکوت فاطمه علیها السلام حفظ اسلام ۱۱۹
- ۸- رد بیعت ابوبکر ۱۲۰
- ۹- انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار ۱۲۱
- شهادت حضرت فاطمه ۱۲۴
- سال و روز شهادت ۱۲۷
- پی نوشت ها: ۱۲۹